

واژه‌های دخیل عربی در کهن‌ترین متن‌های فارسی نو بر اساس دست‌نویس‌های مانوی تورفان*

محمد شکری فومشی^۱

چکیده

در این مقاله نمونه‌هایی از متغیرات سبکی خط مانوی در میان دست‌نویس‌های مانوی تورفان بررسی شده است. برخی واژه‌ها از زبان عربی در دست‌نویس‌های متون فارسی نو به خط مخصوص مانوی به کار رفته و در این مقاله معرفی می‌شوند. یکی از دست‌نویس‌های مانوی همزمان با کهن‌ترین متون به اصطلاح فارسی کلاسیک مورد توجه قرار گرفته و بررسی دیگر قطعات همسو با آن، به شناسایی کهن‌ترین واژگان دخیل عربی - حدود ۹۰ واژه - در نخستین متون فارسی نو انجامید. همچنین بسیاری از متغیرات سبک‌شناختی چندنویسه در دست‌نویس‌های متأخر مانوی و به ویژه برخی از حلقه‌های مفقودشده در فرآیند تحول پلاستیک خط مانوی، نیز بازشناسی شده است. واژگان کلیدی: فارسی نو، خط مانوی، زبان عربی، تورفان.

Arabic Loanwords in Oldest New Persian Texts According to the Turfan Manichaean Manuscript Fragments

Mohammad Shokri-Foumeshi²

Abstract

This article surveys a number of stylistic variables in the orthography of Turfan Manichaean manuscript pages. Some Arabic words has been used in the Classical New Persian fragments that were written in Manichaean alphabet and are introduced in this article. One of the texts in Manichaean script is contemporary with the oldest Classical Persian texts and belongs to the advent of New Persian. The study of this text and other similar fragments has brought forth the identification of about 90 Arabic loanwords in early New Persian texts. This study has reviewed stylistic variables of letters in the late Manichaean fragments, and through this, has found some missing links in the development process of Manichaean script.

Keywords: New Persian, Manichaean script, Arabic Language, Turfan.

۱. دکترای ایران‌شناسی از دانشگاه آزاد برلین، انستیتو ایران‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب قم *تاریخ

دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۰

2. Ph.D in Iranian Studies, Freie Universität Berlin, Institut für Iranistik & Assistant Professor in University of Religions and Denominations. Email: mshokrif@gmail.com

مقدمه^۳

آگاهی از وضعیت اولیه تاریخ زبان و ادب فارسی، چه نثر و چه نظم،^۴ در گروهی از دست‌نویس‌ها بازتاب یافته است که در آستانه سده بیستم (۱۹۱۴-۱۹۰۲) چهار هیئت کاوشگر آلمانی به سرپرستی آلبرت گرونودل^۵ و آلبرت فن لُکک^۶ در واحه تورفان در ایالت شین‌جیان^۷ (ترکستان شرقی)، در غرب چین، کشف کرده‌اند. در حقیقت، گروهی از قدیمی‌ترین مدارک زبان و ادب فارسی توسط مانویان به یادگار مانده است.^۸ پس از ارسال اولین گروه مدارک باز یافته از تورفان به برلین، سرپرست وقت موزه مردم‌شناسی، فریدریش ویلهلم کارل مولر،^۹ «که با هیچ زبانی، از یونانی گرفته تا ژاپنی، بیگانه نبود»،^{۱۰} در ۱۹۰۴ موفق به رمزگشایی خط این دست‌نویس‌ها شد. او اولین کسی بود که متوجه شد اگرچه اکثر متون تورفانی مربوط به کیش مانی به خط مخصوص مانوی نوشته شده، زبان برخی از این قطعات، نه سُغدی، پارتی یا فارسی میانه، بلکه فارسی نو است؛ و از این هیجان انگیزتر آن که حتی واژه‌های دخیل عربی نیز دارد. او یازده واژه دخیل عربی قطعه M106 را در اثرش، دست‌نویس‌های بازمانده به خط استرانجلو از تورفان، ترکستان چین نام برده است.^{۱۱} تحقیقات

۳. شادروان استاد ورنر زوندرومان (W. Sundermann)، پیش از درگذشت، متن‌های مانوی این مقاله را مطالعه کرده و اطمینان داده بود که دست‌نویس‌های منتشر نشده این اثر درست قرائت شده است، استاد بدرالزمان قریب نیز نگارنده را متوجه نمونه سُغدی واژه «خزانه/خزینه» کرد، دکتر محمد حسن دوست، درباره واژه‌های مشکوک عربی تردیدها را زدود و پروفیسور دژموند دور کین میسترارنست (D. Durkin-Meisterernst) برخی از منابع مهم را در اختیار قرار داد. افزون بر این، با لطف محبوبه خدایی واژه *tsdys* «تسدیس» به گنجینه لغات این مجموعه کوچک اضافه شد. قدرشناسی عمیق اینجانب تقدیم همه این بزرگواران می‌شود. مؤلف همچنین سپاسگزار بخش شرقی کتابخانه ملی برلین (SBB) و فرهنگستان علوم براندنبورگ - برلین (BBAW) است که عکس‌های باکیفیتی از دست‌نویس‌ها را برای نشر در اختیار گذاشتند. این مقاله هنگامی نوشته شد که قطعات منتشر نشده این مقاله هنوز به انتشار در نیامده بود. همه قطعاتی که در این مقاله "منتشر نشده" خوانده شده‌اند، در سال ۲۰۱۱ در مقاله‌ای از پروازی منتشر شده است: E. Provasi, "New Persian Texts in Manichaean Script from Turfan", in: *The Persian Language in History*, ed. M. Maggi and P. Orsatti, Wiesbaden, 2011, pp. 119-177.

۴. W. B. Henning, "Persian Poetical Manuscripts from the Time of Rūdākī," in: *A Locust's Leg. Studies in Honour of S. H. Taqizadeh* (London: 1962), pp. 89-104.

۵. A. Grünwedel

۶. A. von Le Coq

۷. Xinjian / Sinkiang

۸. در کنار فارسی مانوی، متن‌های فارسی یهودی به خط عبری و فارسی نیز قرار دارند. مجموعه دست‌نویس‌هایی که در تورفان کشف شده، به طور کلی به هفده زبان، از جمله فارسی میانه، پارتی، سُغدی، بلخی و سکایی تومشوق؛ و سیزده گروه خطی، از جمله دو گونه خط پهلوی، خط سُغدی و خط مانوی، نگاشته شده‌اند.

Turfanforschung, Berlin-Brandenburgische Akademie der Wissenschaften. Akademienvorhaben Turfanforschung (Berlin: 2002). 3-10.

۹. F. W. K. Müller

۱۰. ورنر زوندرومان، «پژوهش‌های تورفان. تاریخ، موقعیت و وظایف آن»، ترجمه امید بهبهانی. فصلنامه فرهنگ (ویژه

زبان‌شناسی)، س ۴، ش ۱-۲، شماره پیاپی ۳۷-۳۸ (بهار - تابستان ۱۳۸۰)، ص ۱۷۳.

۱۱. F. W. K. Müller, *Handschriften-Reste in Estrangelo-Schrift aus Turfan, Chinesisch-Turkestan*, i, SPAW, IX, 348-52; ii aus dem Anhang zu den APAW, 1904, pp. 106.

بعدی نشان داد که زبان این قطعاً فارسی، نه آن فارسی دری فرهیخته و مورد انتظار، که زبانی است حد فاصل فارسی میانه و فارسی دری؛ زبانی در مرحله گذار که شاید بتوان آن را «فارسی نو آغازین» خواند.

زبان عربی در ترکستان شرقی: نفوذ و جایگاه

متن‌های فارسی نو به خط مانوی، در تورقان، در مسیر شاخه شمالی جاده ابریشم و در محیطی مانوی - مسلمان، در حدود سده چهارم هجری قمری (نهم میلادی) نوشته شده است. با سقوط تدریجی سغدی در نخستین سده‌های اسلامی در سمرقند و بخارا و بسط و تثبیت فارسی در منطقه، سغدیانی که در طول جاده تجاری غرب - شرق کاشغر - قراشهر در رفت و آمد بودند، وارثان انتقال فارسی تا دورترین نقاط شاخه شمالی جاده ابریشم شدند. در این زمان بود که تورفانی‌های مانوی، چه سغدی و چه اویغوری یا گروهی دیگر، که «در مسائل فرهنگی همیشه از سمرقند الهام می‌گرفتند»^{۱۲} همگام با دیگر اقلیت‌های مذهبی ناحیه، از متقدم‌نویسی و استنساخ صرف دست فرو شستند و به فارسی‌نویسی روی آوردند.^{۱۳} آنان، در واقع، به زبان مادری خود می‌نوشتند، نه زبانی دیگر. زبانی که به تدریج در حال پذیرش واژه‌هایی از عربی بود.^{۱۴}

بر اساس این دسته از دست‌نویس‌ها، همچنین می‌دانیم که در این زمان مانویان و ایرانیان منطقه، عربی را خوب نمی‌شناسند؛ در حقیقت، عربی هنوز برای آنها تا حدودی غریب است. اما به هر حال، چندی پس از ورود اسلام، زبان و خط عربی به شرق، سقوط خط مخصوص مانوی رقم خورد و فارسی‌نویسی به خط عربی معمول گشت؛ مانویان به تدریج جذب اسلام شدند و «جامه مسلمانی» پوشیدند. حدود چهار قرن بعد دیگر هیچ «اثری با مهر مانوی» دیده نشده است.

۱۲. والتر برونو هنینگ، «قدیم‌ترین نسخه شعر فارسی»، ترجمه احسان یارشاطر. مجله دانشکده ادبیات، س ۵، ش ۴ (۱۳۳۷).

ص ۳-۴.

۱۳. اما این بدان معنا نیست که لاجرم استنساخ از متون کهن (فارسی میانه، پارتی یا سغدی) را رها کرده باشند، گرچه ممکن

است این اتفاق واقعا افتاده باشد.

۱۴. برای واژه‌های دخیل عربی موجود در متون فارسی - یهودی، نک: حسن رضایی باغ بیدی، «کهن‌ترین متون فارسی

به خطوط غیرعربی (عبری، سریانی و مانوی)»، نامه فرهنگستان. دوره هشتم، شماره دوم. شماره پیاپی ۳۰، ۱۳۸۵، ص ۱۵-۱۲

و ۲۸.

رسم الخط متأخر مانوی: سنت‌ها و گونه‌های نوین سبک‌شناسانه

تحول و تطور عمیق‌تر زبان فارسی میانه در اوایل دوران اسلامی و تغییر شرایط فرهنگی در شرق ایران، برای آیین کتابت مانوی نیز شرایط و نیازهای جدید ایجاد کرد؛ و در همان حال که واژه‌ها، مضامین و مفاهیم جدید هر چه گسترده‌تر و عمیق‌تر وارد جامعه مانوی می‌شد، مانویان نیز برای جذب عناصر جدید و تطبیق با شرایط نوین به تغییراتی در سنت خویش - باز هم مطابق با سنت دیرینه‌شان - دست یازیدند. در این شرایط نه تنها فرم برخی از نویسه‌ها تغییر کرد، که نویسه‌هایی جدید خلق شد تا نیازهای جدید برآورده شود. اما این کوشش فراگیر نبوده، همه واج‌های عربی را در بر نگرفته است. در اینجا تنها به مواردی اشاره می‌شود که به نفوذ و ثبت واژه‌های دخیل عربی مربوط می‌شود؛ دخالتی که منجر به تغییرات فنی در رسم الخط مانوی شد. این تغییر فرم نویسه‌ها که غالباً با افزودن یک یا دو نقطه بر بالای نویسه‌های بیست و دوگانه اصلی انجام می‌شده، در اصل «آگاهانه بر اساس کارکرد پیشین نویسه‌های اصلی»^{۱۵} صورت گرفته است؛ به عبارت دیگر، کاتب مانوی کاملاً آگاه بوده است که برای خلق نویسه <f> باید از <p> استفاده کند؛ یا ساخت نویسه <ʿ> (عین عربی) را بر اساس فرم نویسه <ʿ> (همزه/عین) قرار دهد. در این جا همچنین در خواهیم یافت که کاتبان مانوی فارسی‌نویس ماوراءالنهر و کمی دورتر ترکستان چین در آستانه ورود عناصر عربی چه واکنشی نسبت به آن نشان دادند و چگونه با آن رویارو شدند.

۱. عین: بر فراز نویسه «همزه/عین» (ʿ) دو نقطه گذاشته شد (ʿ) تا نمایشگر «عین عربی» باشد. مانند *m ʿsy ʿt* «معصیت» در متن /M411+M427a+M5391/R/5/. واژه کوتاه /a/ برای «عین» گاهی با نویسه <ʿ> نشان داده شده است. این نویسه ممکن است پس از نویسه «عین» گذاشته شود، مانند /*ʿδ ʿb/ azāb* «عذاب» در /M106/I/R/2/.

۲. فا: معمولاً کاتب مانوی، به پیروی از سنت املائی فارسی میانه، برای نگارش آوای /f/ از نویسه <p> استفاده می‌کرد. او در دوره جدید نیز به این سنت وفادار است؛ اما نه به قول هنینگ^{۱۶} تنها برای واژه‌های فارسی، که واژه‌های عربی را نیز در بر می‌گرفت، مانند /*δ[w]lpk ʿr /δu-l* «ذوالفقار» در /M786/R/3/. از آنجا که به زعم کاتبان مانوی ظاهراً «ف» فارسی اندکی متفاوت از «ف» عربی بوده است و بنابراین نویسه آن باید اندکی متفاوت باشد، دو نقطه بر فراز نویسه <p> (به صورت <ḥ>) قرار داده شد تا این تمایز نشان داده شود؛ برای نمونه، *Yūsuf*

۱۵. نقل از دژموند دورکین میسترارنست در یک گفت و گوی شخصی.

یوسف» /ywsṗ/ در M786/V/1[18]. اما گاهی شاهد گریز از این روش نیز هستیم، چنان که کاتبی دیگر واژه‌های فارسی را نیز با همین نویسه می‌نگارد. یکی از نمونه‌های نسبتاً فراوان آن، واژه فارسی *ṗrm 'n /farmān/* «فرمان» در قطعه M5391/R/3 است.

۳. قاف: در عصر فارسی میانه، نویسه <ṗ> «قاف» با افزودن دو نقطه بر بالای <q> که ارزش آوایی آن در متون متقدم مانوی دقیقاً برابر با <k> بود، ابداع شده بود تا از آن برای نگارش متون ترکی اویغوری استفاده شود. مانویان این دوره برای ثبت آوای «قاف عربی» نیازی به ابداع نویسه جدیدی ندیدند و از همین نویسه استفاده کردند؛ برای نمونه، *ṗrb /'aqrab/* «عقرب» در M150/V/5. گهگاه، به جای این نویسه، به سادگی از <g> استفاده شده است؛ برای نمونه، *gl /'aql/* «عقل» در M105b/R/15. علت این امر آن است که در متون متقدم، کاتب برای آوای <γ> (غ) از نویسه <g> استفاده می‌کند؛ برای نمونه، *bg /bay/* «بغ»؛ اما او در این دوره در نگارش واژه‌های عربی، از آن رو که تفاوت آوای «غین» و «قاف» را در اکثر موارد درک نمی‌یابد، آن دو را سهواً به جای هم به کار می‌برد؛ بر اساس چنین تفسیری است که قادر به درک استفاده نابجا و سبک‌شناسانه^{۱۷} نویسه <g> برای نگارش کلمه «خلق» به صورت *xlg /xalq/* در M105b/V/13 می‌شویم؛ در حالی که برای قاف عربی نویسه ویژه‌ای وجود دارد. در قرائت قطعات تورفانی نه تنها گاهی موربانه‌خوردگی، آب‌خوردگی، پارگی دست‌نویس و ده‌ها عامل دیگر ممکن است قرائت یک واژه را با تردید مواجه سازد، مشاهده این نمونه‌های سبکی نیز ممکن است هر کارشناسی را به آسانی غافلگیر کند (نک: ذیل واژه *wk̄t*). اما رویکرد مذکور، چه سهو و چه عمد، همیشگی نبوده است؛ چنان که اسم معنای «مشغولی» با نویسه غین (γ) - بسیار معمول در متون سغدی مانوی و پارتی - به کار رفته است: M106/II/V/17/ *mšywylyh*.

۴. تاء تأنیث/تاء ملفوظه: کاتب این دوره از ادبیات مانوی، «تاء» تأنیث/ «تاء» ملفوظه عربی (ه) را با <t> نشان می‌دهد؛ مانند *ḏyq̄t /ḏiqat/* «ثقه» در M411+M427a+5391/V/4.

۵. تاء مثلثه و ذال: نویسه قدیمی <ḏ> که نویسه‌ای پریسامد در متون سغدی است، برای نگارش کلمات عربی جایگاهی خاص و البته اندکی بغرنج می‌یابد. کاملاً طبیعی بود که <ḏ> برای نشان دادن «ذال» عربی به کار رود؛ مانند *ḏ'b /'azāb/* «عذاب» در M106/I/R/2. اما مشکل این جا است که کاتبان مانوی این نویسه را برای نشان دادن <θ> یا «تاء» عربی (تاء مثلثه) نیز به کار می‌بردند؛ مانند *mḏl /maθal/* «مَثَل» در M106/I/R/7. این عدم تمایز

می‌توانست مشکل آفرین باشد و تشخیص «ذ» و «ث» و تفاوت میان آنها را، آن هم در آستانه ورود زبان و ادبیات عربی به ترکستان شرقی، بسیار سخت کند. به اعتقاد نگارنده، برای رفع این مشکل بود که گاهی برای نشان دادن «ثاء» از <δδ> (یعنی دو <δ>) استفاده می‌شده تا سهواً «ذال» خوانده نشود؛^{۱۸} برای نمونه، δδlyδδ «تثلیث» در M150/V/3/ یا δδykt «ثقه» در M411+M427a+5391/V/4/ یا nδδ' r «نثار» در M786/V/6[23] از این رو، نتیجه می‌گیریم تاریخ این دسته از متون باید متأخرتر از متونی باشد که در آنها برای «ثا»ی عربی از یک <δ> استفاده شده است. بنابراین، دست‌نویس M150 یا M411+M427a+5391 باید جدیدتر از دست‌نویس M106 باشند.

۶. ضاد: همچنان که کمی پیش‌تر گفتیم، کوشش در جهت خلق نویسه‌های جدید برای واج‌های خاص عربی فراگیر نبوده، همه واج‌های این زبان را در بر نمی‌گرفته است. یکی از این واج‌ها، «ض» بوده است. کاتب قطعۀ M106 برای نگارش واژه «حوض» به جای نویسه <ḍ> از <d> استفاده می‌کند: M 106/II/V/18/ hwwd /ḥuwd/.

۷. های غیرملفوظ: آوای /g/ در واژه‌های مختوم به نویسه <g> در دوره انتقال مختصات زبانی فارسی میانه به دوره فارسی نو به «ها»ی غیرملفوظ تحول می‌یابد (برای نمونه، «خانه» /xāna / x'n'g/). کاتب مانوی به تصور این که واژه‌های عربی مختوم به «ها»ی غیرملفوظ نیز باید قانون بالا را از سر گذرانده باشند، واژه‌ای مانند «جمله» را به صورت jwmlg می‌نگارد (M106/II/V/6/)، اما بی‌تردید آن را باید به صورت /jomla/ آوانویسی کرد. نگارنده به این دلیل واژه‌های مختوم به -ag در این متن‌ها را نه به صورت /-e/، بلکه به صورت /-a/ آوانویسی می‌کند (مثلاً نه به صورت /jomle/، بلکه به صورت /jomla/) که کاتبان این دست‌نویس‌ها (در بخشی از ماوراءالنهر و شاید هم سمرقند) واژه‌های مختوم به -aka - باستانی را در این دوران هنوز به صورت -ag می‌نویسند. این احتمال وجود دارد که کاتبان دست‌نویس‌های ما دوزبانه سغدی - فارسی باشند. اگر هاء غیرملفوظ متن‌های ما واقعاً به صورت /-e/ بوده، این کاتبان می‌توانستند به جای g^۲ از y^۲ استفاده کنند، کما اینکه کاتبان آن محیط که معمولاً سغدی بودند در دوران میانه چنین می‌کردند، یعنی به جای k^۱ از y(y) استفاده می‌نمودند تا واژه به /-e/ ختم پیدا کند نه به /-a/، باری، اگرچه وفاداری به سنت املائی کهن عامل آن شد که کاتب دست‌نویس M9011

۱۸. گمان نگارنده این است که این کارکرد در سغدی نیز شاهد دارد.

صورت عربی «کاسبی» (حاصل مصدر) را به صورت $k^{\text{ʰ}}sbyg$ بنگارد (B/5)^{۱۹}، این واژه را باید به صورت $/kāsebī/$ آوانویسی کرد. در نظر داشته باشیم که کاتب مانوی این دوره حتی کسره اضافه $/ī/$ را نیز به صورت yg می‌نگارد (M106/I/V/8/).

۸. پسوند اسم معناساز و کسره اضافه: کاتب مانوی برای ساخت اسم معنا، همچون گذشته، از yh بهره می‌برد. نویسه $\langle h \rangle$ پایانی همانند دوره میانه ارزش آوایی نداشته، و بنابراین، برای آوانوشت پسوند yh باید از $-ī/$ سود جست؛ نه از $-i/$ ، آن چنان که زوندرمان استفاده می‌کند و در واقع برای کسره اضافه به کار می‌رود.^{۲۰} برای نمونه: اسم معنای $mwx^{\text{ʰ}}lyfyh / muxālefī/$ «مخالفی» در M106/II/R/5/.

۹. آوای کوتاه و بلند: با این که در قریب به اتفاق موارد، هر یک از نویسه‌های الفبای مانوی دارای یک ارزش آوایی‌اند و با آواهای ایرانی تقریباً مطابقت کامل دارند، همانند دیگر نظام‌های الفبایی که جزو خانواده بزرگ سامی محسوب می‌شوند، در نمایش واکه‌ها و نیم‌واکه‌ها دقیق و بی‌عیب و نقص عمل نمی‌کنند. این وضعیت در مورد واژه‌های عربی این متون نیز صدق می‌کند، چنان که گاهی، البته بسیار به ندرت، برای سه واج کوتاه $a/$ ، $e/$ (یا $i/$) و $u/$ نویسه قائل می‌شود، به ترتیب مانند $ma^{\text{ʰ}}sy^{\text{ʰ}}t / m^{\text{ʰ}}sy^{\text{ʰ}}t$ «معصیت»؛ $xyryn / āxerīn/$ «آخرین»؛ و $swlt^{\text{ʰ}}n / suḫān/$ «سُلطان».

۱۰. مر ... را: نشانه مفعولی در متون متاخر مانوی، «را» است. اما در یک مورد از ترکیب «مر + مسندالیه مفعولی + را» نیز استفاده شده است؛ و بر حسب تصادف این تنها شاهد برای مفعولی عربی به کار رفته است:

$M106/II/V/1011-/:^{\text{ʰ}}wd^{\text{ʰ}}xyryn \parallel qrd(^{\text{ʰ}})r \text{ } mr^{\text{ʰ}}wwlyn \text{ } r^{\text{ʰ}}hm-I \text{ } b^{\text{ʰ}}tyl$
 $qwnyd^{\circ}$

و آخرین کردار مر اولین را همی باطل کند

شواهدی که در ادبیات منظوم و مثنوی فارسی نو وجود دارد، بیانگر آن است که این نشانه در ماوراءالنهر و خراسان معمول بوده است. بنابراین، طبیعی است که ردپای کاتب قطعه M 106 و نسخه‌های بدلش را باید در شرق ایران، خراسان بزرگ و ماوراءالنهر، جست و جو کرد.

19. D. Durkin-Meisterernst, "Late Features in Middle Persian Texts from Turfan," in: *Persian Origins. Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian. Collected Papers of the Symposium, Göttingen 1999*, ed. L. Paul (Wiesbaden: Harrassowitz, 2003), p. 10.

20. Sundermann (SL). "Ein manichäischer Lehrtext..." p. 267, e.g. $mšywylyh / mašguli/$ مشغولی.

۱۱. **عدم تشخیص آوا:** کاتب مانوی، در یک دست‌نویس، هم واژه *hrb/harḥ* «حرب» (M106/I/R/18/) را با نویسه <h> می‌نویسد و هم واژه *hl'k/halāk* «هلاک» (M106/II/R/19/) را؛ این عدم تمایزسنجی، میان آوای «ت» و «ط» عربی نیز دیده شده است؛ قس. *ṭpsyr/tafsīr* «تفسیر» در M746a/V/3/ و *ltyf/laṭīf* «لطیف» در M106/II/R/13/ همچنین، میان «س» و «ص» عربی؛ قس. *ywsp̄/Yūsuf* «یوسف» در M786/V/1[18] و *tkšyr/taqšīr* «تقصیر» در M411 + M427a + M5391/V/7/.

۱۲. **تشدید آوا:** معمولاً یکی از معدود نقطه‌ضعف‌هایی که بر خط مخصوص مانوی گرفته می‌شود، نبود نظامی برای نشان دادن تکرار و تشدید آوا است: نظام خطی مانوی، واژه پارتی /فارسی میانه *farrox/* «فرخ» را با یک <r> به صورت *p/frwx* می‌نگارد. در متون فارسی نو مانوی این نظام به خاطر وجود واژه‌های عربی شکسته شد، چنانکه کاتب دست‌نویس M106 واژه «اولین» را با دو <w> به صورت *'wwlyn/awwalīn* می‌نویسد (M106/II/V/11/). اما این رویکرد کلی و دائمی نبوده است: واژه «آلا» در همان دست‌نویس با یک <l> به صورت *'yl' /illā'* نوشته شده است (M106/I/R/16/).

۱۳. **صیغه جمع:** یکی از نکات برجسته متون فارسی نو مانوی آن است که کاتب به هیچ وجه از نشانه جمع و قواعد جمع عربی استفاده نمی‌کند و واژه عربی را با نشانه جمع فارسی جمع می‌بندد، مانند *fy'lh'š' /fē'l-hā-š'* «فعلهايش» (M106/II/V/10/); و آنگاه که، در یک مورد، واژه جمع مکسر «حواس» (جمع حاسه) را به کار می‌برد (M106/I/V/17/)، غافل از این نکته است که واژه مزبور خود جمع است و نباید آن را به صورت *'hw'sh'* با نشانه جمع فارسی «ها» جمع ببندد.^{۲۲} زوندرمان، در متون متأخر مانوی تورفان، در کنار نشانه جمع فارسی *-hā-* نشانه جمع دیگری را نیز که همانا *-ihā-* باشد، در نظر می‌گیرد.^{۲۳} مبنای استدلال او شواهدی چون *plydyh'* و *rwšn'yh'* در دست‌نویس M106 است.^{۲۴} در این شواهد نشانه جمع «ها» (و نه ییها) به حاصل مصدر «پلیدی» و «روشنایی» افزوده شده است.

۱۴. **اماله:** اماله^{۲۵} در لغت به معنای برگردانیدن و میل دادن و مقصود از آن در ادب فارسی، میل دادن فتحه در واژه‌ها به سوی کسره و الف به سوی یاء (در قدیم یاء مجهول و اکنون

۲۱. در اصل با الف آغازین به صورت *'hw'sh'*. نک مدخل *hw's*.

۲۲. این نوع جمع بستن، البته در متون فارسی قدیم به خط فارسی نیز شاهد دارد.

23. Sundermann (SL), W. "Ein manichäischer Lehrtext..." p. 245.

24. *Ibid.*

25. *'imāla*

یاء معلوم) است، مانند جهاز به جهیز؛ و حساب به حسیب.^{۲۶} در مجموعه واژه‌های عربی متون مانوی، این قاعده به کرات دیده شده است؛ برای نمونه، «ولیکن» *wlykyn / walēkin/* (به جای *walākin/* «ولیکن»؛ و «خلیف (خلاف)» *xlyf / xilēf/* (به جای *xilāf/*). اگر واژه «خزینه» *xzyng / xazīna/* در *M595+M9009/A/11/* در اصل فارسی باشد (نک. واژه‌های مشکوک)، پس این قاعده ممکن بود برای واژه‌های فارسی نیز به کار رود. در دست‌نویس تاکنون منتشرنشده و تازه بازیافته از شیراز واژه *p'dyšyn / pādēšīn/* «پاداش» دیده می‌شود.^{۲۷} زوندنرمان، در روش آوانگاری خود، اماله را برای واژه‌های عربی متون مانوی جاری نمی‌سازد و چنین واژه‌هایی را مطابق با اصل عربی آنها آوانویسی می‌کند. از این رو، نگارنده به جای روش او، از روش دوبلوا پیروی کرده است.

۱۵. املاء تاریخی:^{۲۸} در متون متأخر مانوی تورفانی، از صورت کهن *MP pd / pad/* استفاده شده است، اما نیک پیدا است که آوانوشت آن در متون فارسی نو */ba/* و گاهی در اتصال به واژه بعد */bad/* به معنای «به» خواهد بود (نک کمی پایین تر). این املاء پیش از اسم، چه فارسی و چه عربی، به عنوان حرف اضافه به کار رفته است. به عنوان حرف اضافه پیش از اسم عربی، برای نمونه:

M106/II/V/11-12/: 'c 'yn my 'n bwy 'wd rwsn 'yh 'hm-I **pd 'sl b'z** rsyd °

از این میان بوی و روشنایی‌ها همی به اصل باز رسد.

به ندرت از کوته نوشت *p- /ba/ (pd /ba(d)/)* نیز استفاده شده است؛ در این صورت،

همانند متون هم‌عصر فارسی به خط فارسی، این نویسه به واژه بعد می‌چسبد:

M786/V/1-3[18-20]/: cwn ywsjpm **pk'hr**^{۲۹} prwd 'bg[nnd] pc 'h
°c'hyy k 'br ny 'lym 'z' 'w cwz g 'hyy^{۳۰} šm 'r °°

۲۶. دهخدا، لغت نامه دهخدا/ لوح فشرده (تهران: دانشگاه تهران)، ذیل واژه «اماله». این قاعده بسیار به ندرت روی واژه‌ها

فارسی نیز اعمال شده است.

۲۷. این قطعه به زودی از سوی نگارنده در یادنامه ورنر زوندنرمان منتشر می‌شود.

۲۸. فقط آن چه که در ارتباط با واژه‌های عربی است.

29. Or: *pāhr*

۳۰. فرم *juz gāh ī/ cwz g 'hyy/* «جز گه» (only at the time of) در ویرایش هنینگ به صورت *swz g 'hyy*

آمده است. من میان دو بخش این ترکیب مختصر فاصله که دو واژه را از هم جدا کند، می‌بینم. برای تفسیر در باب این واژه، نک:

Henning (*PM*), p. 99, 103, no. 1.

چون یوسفم بقهر/ به قهر فرو افکنند به چاه | چاهی که بر نیابم ازو جز گه شمار^{۳۱}

۱۶. **پسوندهای فارسی:** در متون فارسی متقدم بسیار معمول است که به کلمات عربی انواع پسوندهای فارسی (ضمیر شخصی، صفت فاعلی ساز، صفت تفضیلی، و غیره) بچسبند. برای نمونه، */fɣl'š/fe'l-a-š/* «فعلش» (عملش، کردارش) در */M106/I/V/4/ tamām-kār-ān/* «تمام کاران» در */M105b/I/16/* «لطیف‌تر» */ltyftr/latīf-tar/*؛ و *M411+M427a+M5391/R/1/* **۱۷. نشانه خطی /I/:** رسم الخط مانوی، یاء نکره و وحدت را معمولاً با واژه *'yw* MP/Pth */ēw/* «یک» نشان می‌دهد. اما در متون متأخر مانوی نیز که مشتمل بر واژه‌های عربی است، این واژه معمولاً جای خود را به یک نشانه خطی به شکل *<J>* می‌دهد که کارشناسان حرف‌نوشت آن را با */I/* نشان می‌دهند. نشانه خطی */I/* به تدریج در آیین کتابت مانوی نقش‌ها و کارکردهای متعدد و گسترده‌ای یافت، به ویژه در این دسته از دست‌نویس‌ها که به زبان فارسی نو است. در اینجا این نشانه، همانند نقشی که در متون متقدم ایفا می‌کرد، در مقام یاء نکره یا وحدت آمده است، با این تفاوت که در این گروه از متون همواره پس از اسم می‌آید. در حقیقت، در این دست‌نویس‌ها، در تمام مواردی که نشانه خطی */I/* برای اسم به کار می‌رفته، در مقام یاء نکره و وحدت بوده است. برای نمونه (هر دو اسم عربی از دست‌نویس M106):

SLt/b11-12/: *ṡ hr h' l-I k' grdyd ° gwhr 'yn 'st ll cy 'šk' rg pdyd qrdm °° °°*

و هر حالی که گردد، گوهر این است که آشکاره پدید^{۳۳} کردم.

SLt/d13-15/: *ṡ bzwrgw 'r nb(y)l ll mlyq-I 'st ° qš mwlk br hmg jh 'n pdyd ll °° °°*

و بزرگوار باشکوه ملکی است، کش مُلک بر همه جهان پدید (کرد).

۳۱. این کوتاه نوشت به عنوان «باء زینت» پیش از فعل فارسی نیز به کار رفته است:

SL/d13-14/: *ṡ bzwrgw 'r nb(y)l mlyq-I 'st ° qš mwlk br hmg jh 'n pdyd °° °°*

و بزرگوار باشکوه ملکی است کش مُلک بر همه جهان بدید.

این فرم کهن در واژه «پدید» تاکنون باز مانده است:

SL/c7-8/: *wlykyn cwn xwd byhgwhr ny b šyd ° 'yn xlyfjll ll 'yg 'ql 'wd jhl pdyd ny ' 'yd °*

ولیکن چون خود نیک گوهر نباشد، این خلاقی عقل و جهل پدید نیاید.

۳۲. در این باره، نک: محمد شکر فومشی، «ملاحظات بر یک نشانه خطی در دست‌نویس‌های مانوی تورفان»، نامه ایران

باستان، ش، ۲۰-۱۹ (۱۳۸۹)، ص ۶۴-۵۳.

۳۳. به دید کردم؛ به دیده آوردم؛ نشان دادم.

دست‌نویس‌ها

واژه‌های دخیل عربی متون مانوی این مقاله بر اساس یازده دست‌نویس تورفانی گرد هم آمده است. اولین متن قطعه M150 است که در همان سال کشف‌رمز خط مانوی توسط مولر در ۱۹۰۴ اکثر بخش‌های آن توسط خود او قرائت و منتشر شد. از این قطعه، که درباره گاه‌شماری است، واژه‌های عربی نسبتاً فراوانی استخراج شده است. نگارنده این دست‌نویس را چون همه دست‌نویس‌های دیگر بازخوانده، و علاوه بر واژه‌های شناسایی شده توسط مولر، چندین واژه عربی دیگر نیز شناسایی کرده است.

هفت دست‌نویس این مجموعه پیش از این توسط هنینگ و زوندرمان منتشر شده‌اند. اما این نکته مهمی است که در سه قطعه M581، M613 و M9010 (مطابق رده‌بندی هنینگ، متن A و B) و قطعه M9130 (مطابق رده‌بندی هنینگ، متن C) - که متن یکپارچه‌ای از روایت مانوی «داستان بلوهر و بوداسف» به دست می‌دهند - از آن چه که باقی مانده، حتی یک واژه عربی دیده نمی‌شود.^{۳۴} بسیاری از واژه‌ها از قطعات M403،^{۳۵} M786 و M877 (مطابق رده‌بندی زوندرمان، متن A)، M427a، M411 و M5391 (مطابق رده‌بندی زوندرمان، متن B) استخراج شده‌اند. دست‌نویس دوبرگی^{۳۶} M106 و دو نسخه بدل M105b و M901 که روایتی یکپارچه در بیان گوهر به دست می‌دهند (اما اصل اثر به احتمال درباره کیهان‌شناسی و جهان اکبر و جهان اصغر است)، مهمترین قطعات ما برای تکمیل گنجینه نخستین واژه‌های دخیل عربی در فارسی نو محسوب می‌شوند.

از میان دست‌نویس‌های فارسی مانوی، در چهار دست‌نویس منتشر نشده زیر نیز واژه‌های دخیل عربی شناسایی شده است:^{۳۷} قطعه M595 (a,b,c) همراه با M9009 دست‌نویسی واحد و متنی ظاهراً اخلاقی و گونه‌ای شایست ناشایست مانوی به دست می‌دهد. این دست‌نویس زیبا، دارای عنوان‌های فرعی^{۳۸} با مرکب سرخ، ورقی آسیب دیده و پاره پاره است. قطعه M8202 با رسم‌الخط متقدمش تنها یک واژه عربی دارد. از ساختار کهن‌گرای متن آن چنین بر می‌آید که از دیگر قطعات فارسی نو مانوی اندکی کهن‌تر باشد. برخی از این قطعات بسیار کوچک‌تر از آن هستند که بتوانند

۳۴ با در نظر داشتن این نکته که جزء نخست واژه «بلکه» را عربی ندانیم، نک، پیوست یکم: «واژه‌های مشکوک».

۳۵. هنینگ آن را در سال ۱۹۶۲ همراه با قطعات بالا در مجموعه مقالات ران ملخ انتشار داده است.

36. Bifolio

37. M. Boyce, *A Catalogue of the Iranian Manuscripts in Manichean Script in the German Turfan Collection*. (Berlin: Institut für Orientforschung, 1960), 150 § 87. (Cf.)

38. Caption

گنجینه ما را، آن چنان که ممکن است در بدو امر انتظار رود، تکمیل سازند؛ اما تردیدی نیست که ارزش اسنادی شان بی‌نهایت بالا است: قطعات M9011 و M746a نیز هر یک تنها یک واژه به واژه‌نامه کوچک این مقاله می‌افزایند. برای استخراج مجموعه واژه‌های عربی متون مانوی تورفان، تصور می‌شود که نگارنده همه دست‌نویس‌های منتشر نشده فارسی نو مانوی را دیده باشد.

سرواژه‌ها و ملاحظات دیگر

برخی از واژه‌هایی که از دست‌نویس‌ها استخراج شده‌اند، صورت خام واژه نبودند. به استثنای واژه «حواس» (جمع مکسر برای حاسه) و «سموم» (جمع مکسر برای سم)، به طور کلی اساس کار در این مقاله بر مبنای صورت خام واژه‌ها قرار گرفته و صورت‌های ترکیبی و پسوندها از سرواژه جدا شده است. اگر در مجموعه دست‌نویس‌ها، واژه‌ای تنها یک بار و آن هم مخدوش و معیوب آمده باشد، در سرواژه صورت سالم ذکر شده است. این رویکرد شامل گونه‌های سبکی یا سهو قلم کاتب نیز می‌شود. کلیه فرم‌های مخدوش و معیوب، زیر سرواژه آمده‌اند تا از گونه معیار متمایز شده باشند. چنان‌چه واژه‌ای در ترکیب با واژه(های) دیگر معنایی تازه یافته باشد، جداگانه در زیر مدخل آمده است. چنان که معمول است، در ارجاع به دست‌نویس(های) منتشر نشده، چنان چه رو یا پشت برگ نامعلوم بوده از نشانه صفحه A و B استفاده شده است. در آوانویسی، نشانه‌های زیر برای واج‌ها و آواهای خاص مد نظر قرار گرفته است: <S> برای «ص»، <d> برای «ض»، <t> برای «ط»، <h> برای «ح» و <θ> برای «ث». در ترجمه فارسی، هر جا پس از برگردان فارسی، معنای دومی برگزیده شده و آنگاه عبارت «(بر اساس متن)» قید شده، به آن معناست که معنای دوم بر اساس متنی که این واژه در آن آمده، مستفاد شده است؛ برای نمونه، تعیین، معین (بر اساس متن) / t'ywn / ta'ayyun. شواهد، که آنها را با علامت ↪ نشان دادیم، با همین رویکرد، برای درک معنای واقعی واژه در متن آمده‌اند؛ اما متأسفانه معدودی از شواهد رسا و گویا نیستند؛ این شواهد برای واژه‌هایی اند که تنها یک بار در دست‌نویس‌ها دیده شده‌اند و به علت افتادگی شدید متن حتی یک جمله کوتاه را نیز تشکیل نمی‌دهند. ما، به هر حال، از ذکر آنها نیز چشم‌پوشیدیم. برای واژه‌هایی که از قطعه M 150 استخراج شده‌اند، هیچ شواهدی ذکر نشده است، چرا که این واژه‌ها در جدولی تقویمی و نجومی آمده‌اند نه در یک جمله یا عبارت. در ترجمه فارسی شواهد، تا آنجا که ممکن بود، کوشیدیم حتی به نحو جملات دست‌نبریم تا برگردانها هرچه بیشتر به اصل نزدیک باشند. در ارجاع به منابع و مأخذ، که آن را با نشانه ≈ مشخص کردیم، چنان چه واژه‌ای

بیش از یک بار در یک سطر آمده باشد، تکرار آن را با عدد دو بر فراز شماره سطر نشان دادیم. برای نمونه، ۱۵^۲ بدان معنی است که فلان واژه دو بار در سطر ۱۵ آمده است. در ارجاع به ^{۳۹}Ca, MP, SB.a-b, SL، چنان که معمول است، محل واژه را نه با شماره صفحه، بلکه بر اساس شماره سطر دست‌نویس مشخص کردیم. یادداشت‌های تفسیری ذیل سرواژه‌ها و پانویس‌ها بر اساس شماره صفحه (اثر منتشرشده) ارائه شده است. در تمام مواردی که به *MSt* ارجاع داده شده، از واژه عربی مورد نظر در آن اثر فقط ذکر نام شده بود و لاغیر. تمام واژه‌ها در همه دست‌نویس‌ها، حتی دست‌نویس‌های قبلاً منتشرشده نیز، بازویراسته شدند تا احتمال خطا به حداقل رسیده باشد. از اینرو، گاهی ممکن است در شواهد (و نه در سرواژه) نشانه‌گذاربهای صاحب این قلم در قرائت یک واژه با نشانه‌گذاربهای قرائت‌های پیشین اندکی متفاوت باشد، بی آن که در قرائت اصل واژه تفاوتی وجود داشته باشد. برای نمونه، در قرائت پیشین: [w[d] اما در قرائت صاحب این قلم: (w(d. این موارد ممکن است بدون هیچ اشاره‌ای ذکر شده باشند. اما قرائت‌های جدید، که طبعاً ترجمه و تفسیر جدید را نیز به همراه خواهد داشت، در جای خود مشخص شده اند. سرواژه‌ها به ترتیب الفبایی زیر آمده‌اند:

’ ‘ b β c d δ/θ f/ḫ g h/h̄ j k/q k/ḳ l m n p r s š t/ṭ w x y z

’	الف کوتاه و بلند	ḫ	ف	ṣ	ص
‘	همزه	h̄	ح	d	ض
“	عین عربی	k/ḳ	ق	t	ط
β	ف، دندانی - لبی، متمایل به «فا» و «واو»	x	خ	ḥ	ح
δ	معمولاً «ذ»، گاهی «ث»: δδ «ث»	ž	ژ	θ	ث

واژه‌نامه

’ ‘ *m y n /āmīn/ interj.*, “آمین, *amen*”; ’ ‘ *m y n M 9011/A/3/*
M 9011/A/2 -3/: (hwr)w ’ n ’ n hm(g)yn(’)[n] (p)d (t)n w̄ j (’)[n
missing] ll [•](••tg) b ’šym {°} ’ ‘m y n (°)[°]

۳۹. از این اثر به استثنای دو مورد در بخش واژه‌های مشکوک، یکی ذیل ’ blk و دیگری ذیل (?). w[هم به شماره صفحه ارجاع دادیم و هم به شماره سطر دست‌نویس.

{ما} نیک روانان (پارسایان) همگان به تن و جان ... {؟} باشیم، آمین.

≈ unpl.

’ x y y r /āxer/ adj., “last, آخر”; Ar. ’āxir, with ’imāla; ’ xyyr
M595+M9009/B/12/ (unpl.)

↳ M595+M9009/B/9-12/:

’wd dy(g)r 3-5](. x)w’stg || [½](...)^{oo} ’wd ’z pyš ’wd ps d(w)
[8-10](y)d^{oo} ’wd || [+½](t)[.] b’zd’r mlyk r’ pw(š)[11-13](yd ny
d)yd^{oo} || [+½](.)(k)š ’xyy(r) (.)[10-12](. .)

و دیگر ... خواسته ... و از پیش و پس ... و ... بازدار ملک را ... ندید ... کش آخر ...

’ xyryn /āxerīn/ adj., “last, آخرین”; Ar. ’āxir + Pers. suff. -īn; ’ xyryn
M106/II/V/10/

↳ M106/II/V/10-11/:

’wd ’ xyryn || qrd(’)r mr ’wwlyn r’ hm-I b’ tyl qwnyd^o

و آخرین کردار مر اولین را همی باطل کند.

≈ SL, e10; DMT ii, 98a (for ’ xyryn).

’ h w ’ s h ’ → hw ’ s.

’ s d /asad/ n., “اسد، شیر، Leo”; (’ sd) M 150/V/iv/1/

≈ DMT ii, 99a (as M 150/V/1/).

’ s l /ašl/ n., “origin, اصل”; ’ sl M106/II/V/12/

↳ M106/II/V/11-12/:

’ c ’ yn my ’ n || bwy ’ wd rwšn ’ yh ’ hm-I pd ’ sl b ’ z rsyd^o

از این میان بوی و روشنایی‌ها همی به اصل باز رسد.

≈ HR ii 106; MSt 18; SL, e12; DMT ii, 99a.

’ w w l y n /awwaīn/ adj., “first, اولین”; Ar. ’awwal + Pers. suff. -īn;

’ wwlyn M106/II/V/11/

↳ M106/II/V/10-11/:

’wd ’ xyryn || qrd(’)r mr ’wwlyn r’ hm-I b’ tyl qwnyd^o

و آخرین کردار مر/اولین را همی باطل کند.

≈ *SL*, e11; *DMT ii*, 99b.

‘y r d → Appendix I بخش واژه‌های مشکوک

‘y l / *illā*/ adv., “except, لا”; ‘yl’ M106/I/R/16/; (‘)yl’ M105b/R/8/; (‘)l[y] /l/’ M105b/R/10/

↳ M106/I/R/15-17/:

jwd`z nyš`n` (w)[d] || kwšyydn šn`sydš`n` °°`yl` dygr pd cy xw`hy(d) || šn`s`g bwdn` °°` °°`

شناخت آنها جز از نشان و کوشیدن /لا/ دیگر به چه خواهد شناسا بودن.

≈ *SL*, b16 (*illā digar*), b19 (*illā magar*); *DMT ii*, 100a.

“δ`b / *azāb*/ n., “pain, tornment, عذاب”; “δ`b M106/I/R/2/

↳ M106/I/R/1-3/:

`wd`c xwys`bd- || qrd`rys`st` ° k`pd z`dn drd`wd`δ`b` °`wd` || pd mwrdrn nyz hm št`b`wd bd bynyd` °`

و از بدکرداری خویش است که به هنگام زادن درد و عذاب و به هنگام مردن نیز هم شتاب

(اندوه) و بد بیند.

≈ *SL*, b2; *DMT ii*, 100a.

“q l / *aql*/ n., “intelligence, عقل”; “q l M106/I/V/8/; M786/R/3/; “g l M105b/ R/15/; (‘k) l as [k] see below.

هنینگ در قرائت دست‌نویس M786 این واژه را به صورت l (k). حرف نویسی کرده است

(PM, 100). او با پانوشتی متذکر شده، دو نقطه نویسه <k> به طور غیرمعمول، به اندازه یک

نویسه جلوتر از این نویسه آمده است (Ibid, 101, no. b). آوانوشت هنینگ نشان می‌دهد (Ibid,

102) این نویسه جلویی باید «عین» باشد؛ نویسه‌ای که باید خود دو نقطه داشته باشد. بازنگری

دست‌نویس نشان می‌دهد دو نقطه‌ای که هنینگ از آن یاد می‌کند، نقطه‌های نویسه نخست یعنی

«عین» هستند؛ و دو نقطه <k> نیز بسیار کم رنگ در جای خود آمده اند. آن چه که در این جا

غیرمعمول به نظر می‌رسد، نبود اضافه y(g) میان «ذوالفقار» و «عقل» (ذوالفقار عقل) است.

40. By Henning, “Persian Poetical Manuscripts...” p. 100, with the note b (p. 101): “Two dots above first letter”.

هیننگ آن را سهو قلم کاتب می‌داند (Ibid, 102, no. 2). این دیدگاه در مورد ترکیب اضافه دیگر نیز، که بازسازی واژه مضاف آن قطعی نیست، مطرح شده است (Ibid, 102, no. 4). این ترکیب، [hr (m)r.[...]n / *qahr[-i] mardumān/ «قهر مردمان» است. قس. ذیل سرواژه k̄hr. در متون مانوی، به اندازه کافی شواهدی از حذف اضافه ʾy(g) میان موصوف و صفت یا مضاف و مضاف الیه و غیره وجود دارد.

↳ M106/I/V/7-8/:

wlykyn cwn xwd byhgwhr ny b'šyd ° 'yn xlyfyh̄ || 'yg 'ql 'wd
jhl pdyd ny ' 'yd°

ولیکن چون خود نیک گوهر نباشد، این خلافي عقل و جهل پدید نیاید.

≈ PM, r3; SL, c8; DMT ii, 100a.

*q̄ r b / 'aqrab/ n., “Scorpion, (برج) عقرب”; q̄rb M150/V/iv/5, 6, 7, 8/

≈ DMT ii, 100b (as M 150/V/4/).

*w t y r y d / 'uṭērid/ n., “(the planet) Mercury, عطارد”, Ar. 'uṭārid, with 'imāla; M150/R/12/

≈ DMT ii, 100b.

*y j y z / 'ējiz/ adj., “weak, عاجز”, Ar. 'ājiz, with 'imāla; M411+M427a+5391/V/10/, cf. (Lazard, *Dictionnaire du persan-français*, p. 163) apud SL, 262, no. 23; Meier 1981, 150-151, apud SL, 361, no. 26.

↳ M411+M427a+5391/V/6-10/:

'br sws(t)[yy] || 'wd ṭk̄ syr ('[y] || (xwys̄ k') sw(s)[t] || kmb °°
[0-2]('..) || *y j y z (.)[5-7].

بر سُستی و تقصیر خویش که سُست، کم ... عاجز ...

≈ SB.b, v10; DMT ii, 100b.

*y l ' j / 'elāj/ n., “therapy, درمان, علاج”; Ar. 'alāj, with 'imāla; *y(l)'j M 150/V/v/8/

≈ unpl.

*y y b / 'eyb/ n., “fault, عیب”; *yyb M 595a-c/B/7/

↪ M 595a-c/B/7/:

'wd hr ' 'n q[s 2-4] k' d' n' g' n 'yyb ...

و هر آن کس ... که دانایان عیب (کنند؟) ...

≈ unpl.

"y z /' izz/ n., "glory, magnificence, (عزّت)"; yz M595+M9009/A/9/

↪ M595+M9009/A/7-10/:

(n) ykwgyh 'y rwy ° š(.)^f 6-8] (f) rhn(g) 'wd d' nyšn xrd ° [½] ||
pd szydkrd (p)[...]wd[1-2]/[...]h] xw'hynd ° (') [+½] || r' k' y(n)
[3-5](2-3) "yz 'y (" 1-3)^f [+½] || ny b(w)[2-4]]^r.

نیکویی روی ... فرهنگ و دانش، خرد ... به سزاواری ... خواهند ... را که این ... عز ... نبود؟)

...

≈ unpl.

"z y z /' azīz/ adj., "dear, excellent, عزیز"; zyz M595+M9009/A/4/

↪ M595+M9009/A/4/:

[-½] drm ' 'n ° pd šš (c) yyz mrdwm "zyz (')w(d) '(stwdg) [2-3]
(.) [3-5]

... درمان. ^{۴۴} به شش چیز مردم عزیز و ستوده (شوند؟) ...

≈ unpl.

b' t y l /bāṭil/ adj., "futile, باطل"; b' tyl M106/II/V/11/

↪ M106/II/V/10-11/:

'wd ' 'xyryn || qrd(') r mr 'wwlyn r' hm-I b' tyl qwnyd °

و آخرین کردار مر اولین را همی باطل کند.

≈ HR ii 106; MSt 18; SL, e11; DMT ii, 100b.

b l' /balā' / n., "tribulation, بلا"; bl' M106/I/R/4; (bl') M901/R/7/

41. šš or ššwm?

۴۲. نویسه نخست، شاید هم فقط (.)

43. b(w)[yd] or b(w)[ynd] or b(w)[d] ?

۴۴. عنوان فرعی (caption, subtitle) است به رنگ سرخ.

↳ M106/I/R/4-5/:

ṡ ny 'c bl' ṡ rnc || nmwdn ° ṡ ny 'z drd bwrđn hmy-I
' 's' 'yd °°

و نه از بلا و رنج نمودن و نه از درد بردن همی آساید.

≈ SL, b4; DMT ii, 101a.

blk' → Appendix I بخش واژه‌های مشکوک

dlw /dalū/ n., "Aquarius, (برج) دلو" [Ar. *dalw*]; *dlw* M150/V/iv/12, 13, 14, 15/

≈ DMT ii, 103a (as M 150/V/7/).

dw'' /du'ā' / n., "prayer, supplication, دعا"; *dw''* M403+M877/R/9/

↳ M403+M877/R/5-10/:

dyl' (wd) || *hwš 'y xwys' r(')/y]°* || *swyh m' (^)/rft 'y* || *rwšn 'y (xw)[d' (?) pd]* || *dw'' ṡ (x)[w' st]* || *br d'š[tn 3-5]*.

دل و هوش خویش را سوی معرفت روشن خدا به دعا و خواست برداشتن ...

≈ SB.a, v9; DMT ii, 103a.

ddyk' t /θiqat/ n., "trust, faith, (معتمد) ثقّه"; *ddyk' t* M411+M427a+5391/V/4/

برای ارزش آوایی δ بنگرید به: PM, 91.

↳ M411+M427a+5391/V/2-6/:

(ṡ) || *jw(w)d 'z 'yn dygr* || *ddyk' t nyst wlykyy(n)* || *'knwn mn cy g(w)y(m)* || °°

و جدا از این^{۴۶} دیگر ثقّه نیست، ولیکن اکنون من چه گویم.

≈ SB.b, v4; DMT ii, 103b.

δwlpk' r /δu-l-faqār/ n.p., "the Dhulfaqār: name of Imam Ali's sword, and by extension 'any powerfull sword'^{۴۷}; *δ[w](l)pk' r*

۴۵. بازسازی زوندرمان. من شخصاً دلیلی برای این بازسازی و افزودن نویسه <y> نمی بینم.

۴۶. جز این، غیر از این.

47. Apud DMT ii, 103b.

M786/R/3/

در اصل (PM, 100) $\delta.[l]pk' r$. ذوالفقار صاحب فقرات است ... و این که گمان برند که ذوالفقار دارای دو تیغه یا دو زبانه بوده است بر اصلی نیست. لغت نامه دهخدا، ذیل «ذوالفقار».

↪ M786/R/1-4/۴۸:

$drd^{۴۹} * [sry] / (\dot{s}) t (g) < y >^{\delta} k' pr[w] m' nyd' z jw' b \parallel * [b']$
 $(\delta) / [w] / [l] p k' r < y >^{\delta} [k'] l g w \check{s}' y s x w n * [p z' r]$.

دردا، سرشته‌ای که فرو ماند از جواب | با ذوالفقار عقل گشایی سخن به زار.

≈ PM, r3; DMT ii, 103b.

f l k /*falak*/ n., “firmament, heavenly sphere, فلک”; *flk* M106/II/R/10^v/

↪ M106/II/R/9-11/:

$\ddot{w} g \check{s} t n' y g h w' \parallel' z' f l k \ddot{w} ' s t' r g^{\circ} \ddot{w} g \check{s} t n' y g f l k' c x w r x \check{s} y d \parallel$
 oo oo

و گشتن هوا از فلک و ستاره، و گشتن فلک از خورشید [است].

≈ HR ii 106; MSt 18; SL, d10^v; DMT ii, 103b.

f y^l /fi/ n., “action, (عمل، کردار)”; *f y^l* M106/I/R/1/; *f y() / [l]* M901/R/4/; with sg.3.pron. suff. -()š /-aš/ as *f y^l ' š* M106/I/V/4/; *p y^l ' [š]* M901/V/3/; [*f y^l / [l] / ()š*] M105b/R/13/; with pl. -h' /hā/ and sg.3.pron. -š = -h' + -š as *f y^l h' š* M106/II/V/10/

↪ M 106/I/R/1/:

f y^l ' y g ' y n g w h r h m g b d ' s t^{\circ}

فعل این گوهر همه بد است.

≈ SL, a (14), b1, c4, e10; DMT ii, 104a.

h' l /hāl/ n., “state, condition, حال”; *h' l* M106/I/R/10, 11/; *h' l* M106/

۴۸. افتادگی های متن حرف نوشت بر اساس متن آوانوشت هنینگ بازسازی شده است. PM, 100, 102.

۴۹. در دست‌نویس: *rrd* (سهو قلم کاتب).

۵۰. افزوده هنینگ برای تکمیل وزن شعر، نک: p. 102 Henning, “Persian Poetical Manuscripts...”

۵۱. افزوده هنینگ برای تکمیل وزن شعر. نک: *ibid*.

II/R/8/; with indef. suff. $h' l-I / \dot{h} \dot{a} l - \bar{e} /$ M106/I/R/9, 11/; $(h)' l-I$ M105b/R/4/

↳ M106/I/R/9-11/:

$\ddot{w} pd hr h' l-I k' \parallel hst \circ bwd \ddot{w} bwyd xwnsnd nyst \circ cy 'z h' l pd \parallel h' l hmy-I grdyd \circ \circ$

و به هر حالی که هست، بود و بواد خرسند نیست، چه از حال به حال همی گردد.

≈ HR ii 106; MSt 18; SL, b9, 10, 11^r, d8; DMT ii, 105a.

***h' r w n** /Hārūn/ n.pr., “Aaron, هارون”; $(h' rw)n^{\text{h}}$ M786/R/8/

↳ M786/R/7-8/:

$] \ddot{w} [mr](w' ry)[d \dots \parallel \dots (h' rw)n [..](z)]$.

... و مروارید ... | ... هارون ..

≈ PM, r8; DMT ii, 105a.

h l' k /halāk/ n., “destruction, هلاکت, هلاک”; $hl' k$ M106/II/R/19; M106/II/V/1,2,16/; with pl.3.pron. $-š' n$ as $hl' kš' n$ /halāk-i-šān/ M106/II/V/16/; $pd hl' k rsydn$ “to perish, رسیدن / به هلاک / هلاکت رسیدن” M106/II/R/19/

↳ M106/II/R/19/+M106/II/V/1-3/:

$\ddot{w} dwšmn pd hl' k rsyd \circ \ddot{w} 'z 'yn \parallel byrwn \dot{t} w' n d' nystn \circ k' dwšmn r' hl' k hm 'c \parallel xwyštn' (n) hm(-F^r) r) syd \circ cy hmg cyzh ' r' hl' k 'c \parallel srd \ddot{w} grm \circ \dot{t}(r)^{\text{h}}$ $\ddot{w} xwšq hm-I b' šyd \circ$

و دشمن به هلاک رسد، و از این بیرون توان دانستن که دشمن را هلاک هم از خویشتن همی

رسد، چه همه چیزها را هلاک از سرد و گرم، تر و خشک همی باشد.

≈ HR ii 106; MSt 18; SL, d19, e1, 2, 16; DMT ii, 105a-b.

h r b /ḥarb/ n., “war, حرب”; hrb M106/I/R/18/; M106/I/V/13/; $hr(b)$ M106/I/R/14/; $[h](r)[b]$ M105b/R/7/

↳ M106/I/R/14-17/:

52. *Ibid*, p. 101, no. c: or $(hyr')n$?

۵۳. به دلیل کپک‌زدگی، نشانه خطی <I> تقریباً محو شده است.

۵۴. به دلیل کپک‌زدگی، تنها آثار کم رنگی از نویسه <r> باقی مانده است.

*cy dw 'sp'h k' ndr hr(b) || 'mdg^{۵۵} w br' wyxtg b's' nd ° jwz 'z
nyš'n '(w)[d] || kwšyydn šn'syđš'n °° 'yl' dygr pd cy xw'hy(d)
|| 'šn's'g bwdn °° °°*

چه دو سپاه که اندر حرب و آماده و برآویخته باشند، جز از نشان و کوشیدن، شناسیدن شان الا دیگر به چه خواهد شناسا بودن.

≈ *SL*, b(14), 18, c13; *DMT ii*, 105b.

hw' /*hawā*/ n., "passion, desire, (و هوس)"; *hw'* M106/I/V/11, 12/
↳ M106/I/V/8-11/:

*'ndr 'n || ʦn q'm qwn'ndg ny xrd ° cy jhl b'syđ || qtxwd
'y 'yg q'lbyd ° qš'xlg 'yg 'yn || zm'ng hw''wd wsw'sh' hm-I
xw'n'nd °*

اندر آن تن کام کننده نه خرد، چه جهل باشد کدخدای کالبد (را)، کش (که آن را) خلق این
زمانه هوی و وسواس ها^{۵۶} همی خوانند.

≈ *HR ii* 106; *MSt* 18; *SL*, c11, 12; *DMT ii*, 105b.

hw' /*hawā*/ n., "air, (جو) هوا"; *hw'* M106/II/R/92/
↳ M106/II/R/9-11/:

*w gštn 'yg hw' || 'z flk w 'st'rg ° w gštn 'yg flk 'c xwrxšyđ
|| °° °°*

و گشتن هوا از فلک و ستاره، و گشتن فلک از خورشید [است].

≈ *HR ii* 106; *MSt* 18; *SL*, d9^v; *DMT ii*, 105b.

hw's /*ḥawāss*/ n.pl., "(five) senses, حواس"; Ar. pl. of *ḥāssa* n., "sense,
حس حاسه"; (*h*)*w's* M+۴۰۳M۸۷۷/R/۲/; with pl. -*h'* as *'hw's-h'* /*aḥawās-*
hā/ <prob. mistake for *hw's-h'*> M106/I/V/16/

احتمالا *'hw's-h'* تنها یک سهو قلم است و الفِ <'> آغازین و <h> جا به جا شده اند:
h'w'sh' در این صورت، الفِ نخست، تنها نمایشگر */a/* کوتاه (در مقام یک «فتحه») است.

↳ M403+M877/R/1-4/:

55. In M 105 b/R/7: ('m'dg).

[ʔ-۱] (k)[y](rd)n ʔyg pnj || (h)w's °° ʔwd frwd || d'stn ʔyg hft ||
wsw's °°

[؟ بر بستن]^{۵۷} پنج حواس، و فروداشتن هفت وسواس.

≈ SB.a, r2; SL, c16; DMT ii, 105b.

h w q m /hukm/ n., “command(ment), judgment, حُکم”; hwqm M 8202/I/B/7/

↳ M 8202/I/B/6-11/:

... (gw)strdgtr || [1-3](.)(wnyd) j(1-2)n^h (w) (b)[4-6]r hwqm
|| [3-4](. h^h . .)[0-2](2-3)[3-5]'yh xlg || [+½](. d')dyh || [+½](.
r'styh || [+½]

... گسترده‌تر ... بیند (؟) جهان (؟) و ... حُکم ... خلق ... دادی (دادگری) ... راستی ...

≈ unpl.

h w w d /hūwd/ n., “basin, cistern, حوض”; hwwd M 106/II/V/18/

زوندردمان آوانوشت /hōud/ و دوبلوا (DMT ii, 105b) آوانوشت /hāwd/ را بر می‌گزینند (SL, 267). به اعتقاد من، وجود دو <ww> در این واژه گویای /uw/ است نه /aw/ یا احتمالاً /ou/. موقعیت واژه در متن چنان است که کاتب ابتدا با فضای اضافی سطر (که معمولاً در پایان سطر اتفاق می‌افتد) مواجه نبوده است تا برای تراز سطر و ستون متن مجبور شود /w/ را مکرر کند.

↳ M 106/II/V/17-18/:

w'c 'b ʔy || hwwd ° w p'rgyny-I btw' n d'nystn ° drwstyh
ʔyg ʔyn || sxwn °

و از آب حوض و پارگینی بتوان دانستن درستی این سخن (را).

≈ SL, e18; DMT ii, 105b.

h w t /hūt/ n., “Pisces, (برج) حوت”; hwt M150/V/iv/15,16,17,18/; (h)wt M150/V/iv/14/

57. Sundermann, W. “Ein manichäischer Bekenntnistext in neupersischer Sprache,” *Études irano-aryennes offertes à Gilbert Lazard, Association pour l'avancement des études iraniennes*, (Paris: 1989), (SB) p. 357: [Abschließung].

58. j(h)n?

≈ *DMT ii*, 105b (as M 150/V/8/).

j d y h /*jadī*/ n., “Capricorn, (برج) جدی”; Ar. *jady*; *jdyh* M150/V/iv/9, 10, 112, 12, 13/

≈ *DMT ii*, 106a (as M 150/V/6).

j h l /*jahl*/ n., “ignorance, folly, جهل”; *jhl* M106/I/V/8, 9, 12/; (*jhl*) M105b/R/15/; (j)[h](l) M105b/R/16/

↳ M106/I/V/7-8/:

wlykyn cwn xwd byhgwhr ny b`šyd ° yn xlyfyh || yg `ql `wd jhl pdyd ny ` `yd °

ولیکن چون خود نیک گوهر نباشد، این خلافتی عقل و جهل پدید نیاید.

≈ *SL*, c8, 9, 12; *DMT ii*, 106a (as M 150/V/8, 9, 12).

j w ` b /*jawāb*/ n. “answer, جواب”; *jw`b* M786/R/2/۶۰

↳ M786/R/1-4/۶۱

*drd`۶۲ * [sry][š]t(g) <y>۶۳ k` pr[w] m`nyd `z jw`b || *[b`] (δ)[w](l) pk`r <y>۶۴ [k]l gws`y sxwn *[pz`r].*

دردا، سرشته‌ای که فرو ماند از جواب | با ذوالفقار عقل گشایی سخن به زار.

≈ *PM*, r2; *DMT ii*, 106a.

j w m l g /*jumla*/ n., “sum, total”; adj., “all, whole, خلاصه، همه، جمله، همه”; *jwmlg* M106/II/V/6/; *pd jwmlg sxwn* “in all (one) word, (به جمله سخن),”

M106/II/V/6-7/۶۵ (خلاصه این که

↳ M106/II/V/6-7/:

w pd jwmlg || sxwn ` `n cy yk-I (b)` prwryd ° ` `n dygrš b` pws

۶۰ نیز بنگرید به [jw] در بخش: «واژه‌های مشکوک».

۶۱ افتادگی‌های متن حرف‌نوشت بر اساس متن آوانوشت هنینگ بازسازی شده است: Henning. “Persian Poetical Manuscripts...” p. 100, 102

62. In the ms: *rrd`* (mistake).

۶۳ افزوده هنینگ برای تکمیل وزن شعر. نک: *ibid*, p. 102.

۶۴ افزوده هنینگ برای تکمیل وزن شعر. نک: *ibid*.

۶۵ نیز نک [jw] در بخش: «واژه‌های مشکوک».

nyd || °

و به جمله سخن آن چه یکی بپروراند، آن دیگرش بیوساند.

≈ HR ii 106; MSt 18; SL, e6; DMT ii, 106a.

j w r /jawr/ n., "tyranny, جور"; jwr M786/R/16/

↪ M786/R/15-17/:

cwn nwh̄ (mr) mr' [-1/2 k]štyy pjwr^{۶۶} ° || ' (n)k' [-1/2] prw m
'ndgtr *s[n']r^{۶۷} °°

چون نوح مر مرا ... کشتی ای به جور | آن که ... فرو مانده تر سنار^{۶۸}

≈ PM, r16; DMT ii, 106a.

k' p w r /kāfūr/ n., "camphor, کافور"; k'pwr M786/V/5[22]/

عده‌ای در عربی بودن این واژه تردید کرده، اصل آن را فارسی می‌دانند. برای بحث در این زمینه، نک جفری، ۱۳۷۲، ۳۵۶-۳۵۷. این واژه در اصل نه فارسی است و نه عربی، بلکه وامواژه‌ای است از سنسکریت^{۶۹} (karpūra) که هم به لاتینی راه یافته (camphora) و هم وارد زبان عربی و آنگاه از طریق عربی وارد فارسی شده است. دوبلوا اشاره می‌کند که کافور عربی از فارسی میانه kāpūr می‌آید.^{۷۰} واژه کافور یک بار در قرآن کریم به کار رفته است (انسان: ۵). وجود آن در متون زرتشتی (k'pwl /kāpūr)^{۷۱} مؤید فارسی بودن آن نیست، زیرا این متون تقریباً همزمان با متون متأخر مانوی (که کار ما بر اساس آنها قرار گرفته) به

66. pjwr = pd jwr / ba jawr/ به جور

۶۷ در متن حرف نوشت هنینگ (ibid., 101) این واژه به صورت [d] s[] آمده است. اما در پانوشتی احتمال [r] s[] را نیز داد. کاملاً پیداست که هنینگ چنین در ذهن داشته که نقطه <۲> افتاده است؛ چیزی که در دست‌نویس نیز چنین به نظر می‌رسد؛ که در این صورت به نویسه <d> همانند می‌گردد.

۶۸. «تنک آبی از دریا که تهش نمایان بود و گل داشته باشد تا کشتی در آن بند شود و بایستد و نگذرد و بیم شکستن دهد.»

عصری گوید:

دمان همچنان کشتی مارسار | که لرزان بود مانده اندر سنار. لغت نامه دهخدا، ذیل سنار.

69. Mayrhofer, M. *Kurzgefasstes etymologisches Wörterbuch des Altindischen*. I (Heidelberg: C. Winter, 1956), p. 175;

نیز نک: جلالی نائینی، محمدرضا. فرهنگ سنسکریت - فارسی. جلد اول (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

۱۳۷۵)، ص ۴۲۰.

70. DMT ii, 106b.

۷۱. د. ن. مکنزی. فرهنگ کوچک زبان پهلوی. ترجمه مهشید میرفخرایی (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

۱۳۷۳)، ص ۹۷.

نگارش درآمده اند (نخستین سده‌های هجری)، و از این رو، این گروه از متون نیز به آسانی می‌توانسته اند زیر نفوذ زبان عربی باشند. وجود این واژه در متون فارسی میانه متقدم تورفانی یا پارتی تورفانی تأیید نشده است. به هر حال، اصل واژه هر چه باشد،^{۷۳} آنچه که به فارسی رسیده از طریق عربی بوده است.

↪ M786/V/3-6[20-23]/:

[4-6] zyyr 'y txt [p]rw xw'b[nnd mr' °] || k'pwr <w> brg '[y m](w)rd kw(n)[nd rwy] (m)n nδδ' r °° °°

زیر تخت فرو خوابند مرا | کافور > و < برگ مورد کنند روی من نثار ...
≈ PM, v5[22]; DMT ii, 106b.

k' s b y g /kāsebī/ n., "trading, business, کاسبی"; k'(s)byg M9011/B/5/
↪ M9011/B/2-5/:

] sxwn'n r' mzg' 'n ks byh(t)[r] || [(.)d k'(s)byg byštr xw'[s](t)]g
2-3] || [ʔβzwntr? 'wd?] rwsntr (grdyd)

سخنان را مزه آن کس بهتر ... کاسبی بیشتر، خواسته [افزون تر(ʔ) و(ʔ)] روشنتر گردد ...
≈ unpl.

k' h r /qahr/ n., "coercion, قهر"; k'hr as pk'hr /ba qahr/ M786/
V/1[18]/; *[k']hr M786/R/5/

هیننگ (PM, 102, verse 3a) با گذاشتن ستاره‌ای بر سر آوانوشت، بازسازی تردیدآمیز خود
برای [hr]. را متذکر شده است.

↪ M786/V/1-3[18-20]/:

cwn ywspm pk'hr^{۷۳} prwd'bg[nnd] pc'h ° || c'hyy k' br ny'[ym
'z]'w cwzg'hyy šm'r °°

چون یوسفم به قهر فرو افکنند به چاه | چاهی که بر نیابم ازو جز گه شمار^{۷۴}
≈ PM, (r5), v1[18]; DMT ii, 107b.

q̇ w s /qaws/ n., "Sagittarius, قوس (برج)"; q̇ws M150/V/iv/7, 8, 9, 10/

۷۲. چنان که واژه‌هایی چون "نوح" و "یوسف" اصلی عربی ندارند.

73. pk'hr = pd k'hr /ba qahr/ به قهر

۷۴. گه شمار: روز حساب، روز قیامت.

≈ *DMT ii*, 107b (as M 150/V/5/).

l t y f /*laṭīf*/ adj. “fine, لطیف”; *ltyf* M106/II/R/13/; *ltyftr* /*laṭīftar*/ comp. adj., “very fine, تر لطیف” M105b/I/16/

↳ M106/II/R/11-13/:

’*wd xwrxšyd pd xwdyḥ* ’*yg xwys ny srd* || ’*wd ny hwsq ° ny*
 †*r* ’*wd ny swz’ndg ’st ° cy* || *rwsn ’yg p’k w ltyf ’st °*

و خورشید به خودی خویش نه سرد و نه خشک، نه تر و نه سوزنده است، چه روشن پاک و لطیف است.

≈ *HR ii* 106; *MSt* 18; *SL*, d13, c16; *DMT ii*, 107b.

m ’ r f t /*ma’rifat*/ n., “gnosis, knowledge, معرفت”; *m ’ (’)/rft* /
 M403+M877/V/7/

همچنان که زوندرمان می‌گوید (SL, 358, no.18) “Ergänzung ganz ungewiß”، این بازسازی کاملاً تردیدآمیز است، شاید [’ryf] (’)/rft یا [’rf] (’)/rft «معارف» (جمع معرفت)^{۷۵} یا چیزی شبیه به آن.

↳ M403+M877/V/5-10/:

dyl ’(wd) || *hws ’y xwys r(’)/y*’ || *swyḥ m’(’)/rft ’y* || *rwsn ’y*
 (*xw*)[*d*] (?) *pd* || *dw’ w (x)/w’st* || *br d’s[tn 3-5]*

دل و هوش خویش را سوی معرفت روشن خدا به دعا و خواست برداشتن . . .

≈ *SB.a*, (v7); *DMT ii*, 107b.

m ’ s y ’ t /*ma’sīyat*/ n., “disobedience, insubordination, معصیت”;
 (*m ’*)’*sy’t* M411 + M427a + 5391/R/5/

↳ M411+M427a+5391/R/2-6/:

[*w*](’)*n k’ pd pnc* || *frm’n ’wd sḥ* || *w)syyt ° †m’m byy* ||
 (*m ’*)’*sy’t ° hmg’n* || [*p*](*d*) *dyn ’ndr’n(d)*

و آن که به پنج فرمان و سه وصیت تمام (باشد)، بی معصیت، همگان به دین اندر اند(؟).

۷۵. به لحاظ فضای نویسه‌ها، مشکلی پیش نمی‌آید.

۷۶. بازسازی زوندرمان. نگارنده دلیلی برای این بازسازی و افزودن نویسه <y> نمی‌بینم.

≈ SB.b, r5; DMT ii, 107b.

m δ l /maθal/ n., “proverb, مَثَل”; *mδl* M106/I/R/7; [*m*]δl M901/R/9/

برای ارزش آوایی <δ> بنگرید به: PM, 91.

↳ M106/I/R/6-8/:

ṽ 'yn 'st || ' 'n mδl k' gwynd k' n' d' n rn(j)g ° ṽ xwd' y 'z wy-I
n' || xwšnwd °°

و این است آن مَثَل که گویند که نادان رنجه و خدای از وی ناخشنود.

≈ SL, b7; DMT ii, 107b.

m l w k t /mulūkat; malūkat/ n., “kingdom, مُلک، مملکت، شهرباری، مُلکوت”;

[*m*](*lw*)kt M877/R/7/

زوندرمان، در عین حال که به *mlkwt* «مَلکوت» توجه دارد، قرائت این واژه را در قطعه

M877/R/7 عالمانه و به درستی *[m](lw)kt /mulūkat/* می‌بیند و برای معنی آن به

فرهنگ نفیسی رجوع می‌کند: «برای این واژه در فرهنگ نفیسی، ج ۴، تهران: ۱۳۳۴، ص

۳۵۰۴، معانی تملک و تصرف و ملکیت و بندگی و عبودیت^۲ ارائه شده است (SB, 357). این

واژه در چنین عبارتی آمده است: M877/ [*m*](*lw*)kt 'yg rwšn M877/ (*'w*)d dw' zdḥ |

R+M403/R/6-7/ «و دوازده مُلکوت/شهرباری روشن». قس. متن پارتی M259c/V/3/

dw' dys šhrd' ryft «دوازده شهرباری». نک: 12, Morano 1982. همچنین، قس

KG, 50-51. در *مجمّل التواریخ و القصص* (ویراسته ملک الشعراء بهار، ص ۹۰) می‌خوانیم:

«اندر عهد افریدون . . . اندر عهدش یوسف علیه السلام نبوت و ملکیت یافت.» بازنگری

دست‌نویس احتمال دوبروآ مبنی بر سهو قلم کاتب برای *mlkwt /malakūt/* «ملکوت»

(DMT ii, 107b) را رد می‌کند، صرف نظر از این که کاربرد واژه «مَلکوت» در متون کهن

شواهد متعدد نیز دارد.

↳ M877/R+M403/R/4-7/:

hft || (*g*)wng srwš 'yh || (*'w*)d dw' zdḥ || [*m*](*lw*)kt 'yg rwšn[

هفت گونه سروشایی (فرمانبرداری) و دوازده مُلکوت (شهرباری) روشن . . .

≈ SB.a, r7.

m l y k /malek/ n., “king, مَلِک”; *mlyk* M595+M9009/B/11 (unpbl.);

with indef. suff. *mlyq-I/malek-ē/* “a king, مَلِکی M106/II/R/14/

↳ M106/II/R/13-15/:

ṽ *bzwrwgw ʾr nb(y)l* // *mlyq-I ʾst ° qš mwlk br hmg jh ʾn pdyd*
// °° °°

و بزرگوار باشکوه مَلِکی است کَش مُلک برهمه جهان بدید.

≈ *SL*, d14; *DMT ii*, 108a.

m r k b /*markab*/ n., “mount, horse, (مَرکب (باره، اسب); *mrkb* M876/R/14/

↳ M876/R/12-15/:

(*hr*) [4-6 ʾs/w(ʾr)m^v d ʾnystm drws[t] // [3-5] c(h ʾ)r *mrkb byyzyn*
kwnnd [ps] ʾr⁷⁸

هر ... اسوارم دانستم درست | ... چهار مرکب بی زین کنند فسار
در ادب فارسی، شواهد گویایی از کاربرد اصطلاح «مَرکب و باره بدون زین برای فرد در گذشته»
وجود دارد، برای نمونه:

خاقانی: این سبز غاشبه که سیاهش کناد مرگ بر زین سرنگون تو صد جا گریسته

مولوی: اسب جان‌ها را کند عاری ز زین سَر التوم اخو الموت است این^{۷۹}

≈ *PM*, r14; *DMT ii*, 108a.

m r y x /*mirrīx*/ n., “(the planet) Mars, بهرام, ”مَریخ, *mryx* M 150/R/16

<on the right edge>; (*m*)*ry(x)* M 150/V/v/9/

≈ *DMT ii*, 108a (as M 150/R/12/).

m š y w l y h /*mašyūh*/ n., “state of being busy, ”مشغولی”; Ar. *mašyūl*

with Pers. Abs. suff.; *mšywlȳh* M106/II/V/17/

↳ M106/II/V/15-17/:

77. In transliteration:] .w ʾdm; but see *PM*, 101, no. f.

۷۸. در متن حرف نوشت هنینگ (, *Ibid.* 101) این واژه به صورت d ʾ [] آمده است. اما در پانوست گ احتمال داد که ممکن است نقطه <ʾ> افتاده باشد و بنابراین آن را باید ʾr [] قرائت کرد. در خط مانوی، میان <ʾ> و <d> تنها یک نقطه تفاوت است. Henning, p. 103, no. 11.

۷۹ هر دو شاهد از دکتر زهرا پارساپور، عضو هیأت علمی پژوهشکده ادبیات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

$\ddot{w} \text{ } b d \text{ } g w h r \text{ } ' n \text{ } c n d \text{ } q \text{ } ' \parallel g(r) d t r \text{ } ^{\circ} \text{ } h l \text{ } ' k š \text{ } ' n \text{ } ' n g \text{ } ' h \text{ } n z d y k t r \text{ } ^{\circ} \text{ } \ddot{w} \text{ } c n d$
 $h l \text{ } ' k \text{ } ^{\wedge} \text{ } \ddot{w} \text{ } s x t y h \text{ } \parallel b y š \text{ } ^{\circ} \text{ } t b \text{ } ^{\circ} \text{ } r \text{ } ' \text{ } m š y w l y h \text{ } b r \text{ } ' \beta z w n \text{ } ^{\circ}$

و بدگوه‌ران [هر] چند که گردتر، هلاکشان آنگاه نزدیکتر، و [هر] چند هلاک و سختی بیش،
طبع را مشغولی برافزون (بیشتر).

$\approx SL, e17; DMT \text{ } ii, 108a$ (mistake as e16).

m w l k /*mulk*/ n., “kingdom, مُلک”; *mwlk* M106/II/R/14/

\hookrightarrow M106/II/R/13-15/:

$\ddot{w} \text{ } b z w r g w \text{ } ' r \text{ } n b(y) l \text{ } \parallel m l y q \text{ } - I \text{ } ' s t \text{ } ^{\circ} \text{ } q š \text{ } m w l k \text{ } b r \text{ } h m g \text{ } j h \text{ } ' n \text{ } p d y d$
 $\parallel \text{ } \circ \circ \text{ } \circ \circ$

و بزرگوار باشکوه مَلکی است کَش مُلک بر همهٔ جهان بدید.

$\approx SL, d14; DMT \text{ } ii, 108a$.

m w š t r y h /*müştarī*/ n., “(the planet) Jupiter, هرمز, مشتری”; *mwštryh*

M 150/V/v/16/

\approx unpl.

m w x ' l y f /*muxālif*/ adj., “divergent, contradictory, مخالف”;

mw x ' l y f M106/II/V/10/; cf. *xlyfyh*

\hookrightarrow M106/II/V/10-11/:

$' w d \text{ } ' y r \text{ } ' c y \text{ } f y \text{ } ^{\sim} l \text{ } š \text{ } m w x \text{ } ' l y f \text{ } ' s t \text{ } ^{\circ} \text{ } ' w d \text{ } ' \text{ } x y r y n \text{ } \parallel q r d (\text{ }) r \text{ } m r \text{ } ' w w l y n$
 $r \text{ } ' h m - I \text{ } b \text{ } ' t y l \text{ } q w n y d \text{ } ^{\circ}$

و زیرا که فعلش مخالف است؛ و آخرین کردار مر اولین را همی باطل کند.

$\approx SL, e10; DMT \text{ } ii, 108a$.

m w x ' l y f y h /*muxālif*/ n., “contradiction, مغایرت, تضاد, مخالفی”; Ar.

muxālif with Pers. Abs. suff.; *mw x ' l y f y h* M106/II/R/5/

۸۰ قرائت زوندرمان. زوندرمان قرائت *girdtar* «گردتر» را منتهی می‌داند (قرائتی که او آن را به درستی دور از ذهن می‌داند) و می‌گوید شاید این واژه در واقع *grdydtr* «گردیدتر» بوده، که به عقیده صاحب این قلم این پیشنهاد نیز دور از ذهن است (افزودن پسوند تفضیلی «-تر» به فعل ماضی سوم شخص مفرد! ساختی که تاکنون در متن‌ها تأیید نشده است). وی سرانجام آن را با تردید *wiederkehrend* * (صفت فاعلی ساخته شده از فعل بازگشتن) ترجمه می‌کند. با توجه به این که به نظر می‌رسد میان <g> و <g'> یک نویسهٔ آسیب دیدهٔ کوچک مانند <w> وجود دارد، من این واژه را با قید احتیاط *g(w)rdtr* «گردتر» (مبارزتر، شجاع تر) قرائت می‌کنم.

۸۱ سهو قلم به صورت *hl 'k* در زوندرمان *SL, e16*.

↳ M106/II/R/5-6/:

'wd 'yn n 'd 'n r 'mwx 'lyfyh hm 'ndr xwys' gwhr || bwd w' hst^{oo oo}
و این نادان را مخالفی هم اندر گوهر خویش بود و هست.
≈ HR ii 106; MSt 18; SL, dδ; DMT ii, 108a.

m y z 'n /mīzān/ n., "Libra, (برج)"; myz 'n M150/V/2, 4, 5, 6/
≈ DMT ii, 108b (as M 150/V/3/).

n b y l /nabīl/ adj., "noble, باشکوه, بزرگوار"; nb(y)l M106/II/R/13/

↳ M106/II/R/13-15/:

w' bzwrgw 'r nb(y)l || mlyq-I 'st ° qš mwlk br hmg jh 'n pdyd
||^{oo oo}

و بزرگوار باشکوه مَلِکی است کَش مُلک برهمنهٔ جهان بدید.

≈ SL, d(13); DMT ii, 108b.

n δ δ 'r /niθār/ n., "scattering, strewing, نثار"; nδδ 'r M786/V/6[23];
nδδ 'r krđn (v.3pl kw(n)[nd ... nδδ 'r) "to scatter, نثار کردن" M786/
V/6[23]/

↳ M786/V/3-6[20-23]/:

[4-6] zyyr 'y txt [p]rw xw 'b[nnd mr '°] || k 'pwr <w'> brg [y
m]/(w)rd kw(n)[nd rwy] (m)n nδδ 'r^{oo oo}

... زیر تخت فرو خوابند مرا | کافور <و> برگ مورد کنند روی من نثار

≈ PM, v6[23]; DMT ii, 108b.

n w h /Nūh/ n.pr., "Noah, نوح"; nwh M786/R/15/

↳ M786/R/15-17/:

cwn nwh (mr) mr ' [-1/2 k]štyy pjwr⁸² ° || ' '(n)k ' [-1/2] prw
m 'ndgtr *s[n 'r]⁸³

82. pjwr = pd jwr / ba jawr/ به جور

83. در متن حرف نوشت هنینگ (Henning, p. 101) این واژه به صورت [d s] آمده است. اما در پانوشتی احتمال [r s] را نیز داد. کاملاً پیداست که هنینگ چنین در ذهن داشته که نقطهٔ <r> افتاده است؛ چیزی که در دست‌نویس نیز چنین به نظر می‌رسد؛ که در این صورت به نویسهٔ <d> همانند می‌گردد.

چون نوح مر مرا ... کشتی ای به جور | آن که ... فرو مانده تر سنار.^{۸۴}

≈ *PM*, r15; *DMT ii*, 109a.

s m w m /*samūm*/ n.pl., “simoom, hot wind, سموم”; *smwm* M876/R/11/

↳ M876/R/9-12/:

*b`d`yg hw(nr p)y(š) `y mn `ryδ šr `b `y *[hǰ] || smwm `yg ...*
(k)[•]st zhr `y m `r^{۸۵} °

باد هنر [چو] پیش من آرد شراب [حق؟] | سموم ... زهر مار

≈ *PM*, r11; *DMT ii*, 110b.

s w l t `n /*sulṭān*/ n., “rule, dominion; sultan, سلطان”; *swlt `n* M106/II/R/4; M150/V/v/7/[unpl]

↳ M106/II/R/3-4/:

w̄ pd bh `r w̄ t `bst `n b `ryk || - š r `swlt `n b šyd°

و به بهار و تابستان باریکیش^{۸۶} را سلطانی^{۸۷} باشد.

≈ *HR ii* 106; *MSt* 18; *SL*, d4; *DMT ii*, 111a.

s w m l g /*sum(b)ula*/ n., “Virgo, خوشه, سنبله”; *swmlg* M150/V/iv/2/;
[swm][lg] M150/V/iv/3/

≈ *DMT ii*, 111a (as M 150/V/2/).

š m s /*šams*/ n., “sun, شمس”; M150/V/v/12/; *[š]ms* M150/V/v/17/

≈ unpl.

š r `b /*šarāb*/ n., “wine, drink, شراب”; *šr `b* M786/R/10/

↳ M876/R/9-12/:

۸۴. «تنک آبی از دریا که تهش نمایان بود و گل داشته باشد تا کشتی در آن بند شود و بایستد و نگذرد و بیم شکستن دهد.»

عنصری گوید:

دمان همچنان کشتی مارسار | که لرزان بود مانده اندر سنار. لغت نامه دهخدا، ذیل سنار.

۸۵. در دست‌نویس: *zhr w̄ m `r* «زهر و مار» (سهو قلم کاتب).

۸۶. لطافتش. در اصل: باریکیش.

۸۷. در اصل: سلطان.

*b 'd 'yg hw(nr p)y(š) 'y mn 'ryδ šr 'b 'y *[hǰ] | smwm 'yg... (k)*
[•]st zhr 'y m 'r^{۸۸}°

باد هنر [چو] پیش من آرد شراب [حق؟] | سموم ... زهر مار

≈ *PM, r10; DMT ii, 111b.*

š w γ l /šuy/ n., "job, work, شغل"; šwyl M150/V/v/15/; pl. šw(yl)h ' /šuy-l-hā/ M150/V/v/10/; (šwγ)[lh '] M150/V/v/5/

≈ unpl.

*t 'y w n /*ta'ayyun/ adj., "(precisely) determined, (بر اساس متن) معین، معین"; [t]('y)wnytr /*ta'ayyun-ī-tar/ comp. "more (precisely) determined, "تعیین تر" M411+M427a+5391/R/8/*

زوندردمان (SB, 361, no. 22) این واژه را در متن بازسازی نمی کند، اما با احتیاط و در قالب یک سؤال احتمال می دهد که آن ممکن است به صورت *t]('y)wnytr* بازسازی شود (با نویسه نخست *<t>*). به اعتقاد اینجانب، این بازسازی، عالمانه است؛ اما می توان نویسه نخست را از گونه *<t>* در نظر گرفت، زیرا حجم آن بهتر می تواند فضای [0-2] را پر کند. بنابراین، من در شاهد زیر، این بازسازی را (البته با *<t>*) می آورم.

↳ *M411+M427a+5391/R/2-10/+/V/1-2/:*

[w]('n k 'pd pnc || frm 'n 'wd s(h || w)syyt °° t̄m 'm byy || (m 's) 'y t̄ ° hmg 'n || [p](d) dyn 'ndr 'n(d) || [3-5](.)sg 'wd || [t]('y)wnytr 'yn || [5-7 (tb) 'rk || [5-7] (b)yz 'r 'n || 'yg 'wmyd 'wd] || grwyšn 'y mn °°

و آن که به پنج فرمان و سه وصیت تمام (باشد)، بی معصیت، همگان به دین اندر اند(؟) ... و تعیین تر (معین تر) (؟) این ... تبارک ... بیزاران امید و گروش من.

≈ *SB.b, r8; DMT ii, 111b.*

t b 'r k /tabarak/ n., "blessedness, praiseworthiness, تبارک"; (tb) 'rk M411+ M427a + 5391/R/9/

زوندردمان این واژه را به صورت *'rk* (tb) حرف نویسی می کند و در یادداشتی حرف نوشت *<t>* را با

احتیاط می‌پذیرد. در دست‌نویس اثری بسیار ناچیز از یک نویسه دیده می‌شود، اما نمی‌توان مطمئن بود که <t> است. من تردید دارم قرائتِ حتی نویسهٔ دوم (به نظر زوندرمان) که دست کم آثاری از بخشهای آن دیده می‌شود، درست باشد. دوبروآ قرائت زوندرمان به صورت (tb) rk را بعید میدانم و به جای آن [m](wb) rk /mubāarak/ مبارک, blessed, praised, را پیشنهاد می‌کند (DMT ii, 111b).

↪ M411+M427a+5391/R/7-10/+ /V/1-2/:

[3-5] (..)sg 'wd || [t](y)wnytr 'yn || [5-7] (tb) 'rk || [5-7] (b)yz 'r 'n
|| 'yg 'wmyd '[wd] || grwyšn 'y mn °°

... و تعیین تر (؟) این ... تبارک ... بیزاران امید و گروهش من.

≈ SB.b, r9; DMT ii, 111b.

t b /tāb/ n., "nature, طبع"; **tb** M106/II/R/8/; M106/II/V/15,17/; M106/I/V/18/; **tb** M106/I/V/18/

↪ M106/II/R/8-9/:

h 'l gštn 'yg **tb** 'yg tnwmnd 'n 'b 'g || cyzh ' 'yg dygr 'c hw 'st °

حال گشتن^{۸۹} طبع تنومندان با چیزهای دیگر از هوا است.

≈ SL, c18^v, d8, e15, 17; DMT ii, 111b.

t d b y r /tadbīr/ n., "plan, stratagem, تدبیر"; **tdbyr** M106/I/R/19/; M106/II/R/7,18/; with mistake **tt(byr)** M105b/R/10/; pl. **tdbyrh** M106/II/R/17/

↪ M106/II/R/17-19/:

wlykyn || 'yn **tdbyr** 'yr 'qwnydm-I ° t 'h 'mgwhr 'nš || pd
pyrwzyh ° w dwšmn pd hl 'k rsyd °

ولیکن این تدبیر از این رو کندمی تا هم گوهرانش به پیروزی و دشمن به هلاک رسد

≈ HR ii 106; MSt 18; SL, b19, d7, 17, 18; DMT ii, 111b.

t δ δ l y δ δ /*taθh̄θ*/ n., “trine, trinity, تثلیث”; *tδδlyδδ* M150/V/v/8, 9, 12/; (*tδδl*)*yδδ* M150/V/v/2/; (*t*)*δδlyδδ* M150/V/v/4/; (*t*)*δδlyδδ* M150/V/v/5/

برای ارزش آوایی <δδ> بنگرید به: *PM*, 91.

≈ *PM*, 91; *DMT ii*, 111b.

t k̄ s y r /*taqšīr*/ n., “inadequacy, تقصیر”; *t k̄ syr* M411+M427a+5391/V/7/

↳ M411+M427a+5391/V/6-10/:

'br sws(t)[yy] | 'wd t k̄ syr (')[y] || (xwys̄ k ') sw(s)[t] || kmb °° [0-2] (..) || 'yzyz (.) [5-7]

بر سستی و تقصیر خویش که سست، کم ... عاجز

≈ *SB.b*, v7; *DMT ii*, 111b.

t m 'm /*tamām*/ adj., “complete, perfect, تمام”; *t m 'm* M411+M427a+5391/R/4/

↳ M411+M427a+5391/R/2-4/:

[w]('n k 'pd pnc || frm 'n 'wd s(h̄ || w)syyt °° t m 'm

وان (و آن) که به پنج فرمان و سه وصیت تمام (باشد)

≈ *SB.b*, r4; *DMT ii*, 112a.

t m 'm k 'r /*tamāmkār*/ n., “who make perfect, تمام کار”; pl. *t m 'm k 'r 'n* M411 + M427a + M5391/R/1/

در ویراست زوندرمان (*SB*, 358) سهواً *t m 'm k 'n* چاپ شده است. دوبلواً (*DMT ii*, 112a) حدس می‌زند این واژه احتمالاً **tamāmakān*، جمع مصغر با پسوند -āk، بوده است و بنابراین معنای این واژه مطمئناً نه «تمام کاران»، بلکه باید «تمامکان» (آنان که تمام و کمال اند) باشد. به اعتقاد او، شاید این واژه عنوانی برای گزیدگان، چون *perfecti/parfaits* در کیش ثنوی کاتارها، بوده است (*ibid*). بازنگری دست‌نویس توسط نگارنده نشان می‌دهد قرائت آن بی

۹۰. همانند شاهد پیشین، فقط به نظر می‌رسد که نویسه نخست <Z> باشد تا <t>. هیچ واژه دیگری جز *tδδlyδδ* را نمی‌توان

تردید /*tamāmkārān*/ *ṭm ṃk ṛ ṇ* است. نه تنها نویسه‌های پسوند *-k ṛ* در دست‌نویس کاملاً آشکار است، بلکه ترجمهٔ «die Vollender» (برای *ṭm ṃk ṇ*) توسط زوندنرمان نیز بیانگر آن است که در ویراست زوندنرمان تنها یک اشتباه چاپی رخ داده است.

↪ M411+M427a+5391/R/1-4/:

[1-3] *ṭm ṃk ṛ ṇ* °° // [w/]()*n k ṽ pd pnc* // *frm ṇ ṽ wd s(h* // *w)syyt* °° *ṭm ṃ*

... تمامکاران. و آن که به پنج فرمان و سه وصیت تمام (باشد) ...

≈ SB.b, r1; DMT ii, 112a.

t p s y r /*tafsīr*/ n., “exegesis, explanation, paraphrase, تفسیر”; *ṭpsyr* M746a/V/4/

↪ M746a/V/2-3/:

w ṽ gr [+½] *ṭpsyr d ṽ nyd* [missing]

و اگر ... تفسیر داند ...

≈ unpl.

t r b y /*tarbī*/ n., “quadrature, تربیع”; *ṭrby* M150/V/v/11/

≈ unpl.

t s d y s /*tasdīs*/ n., “Sexangulare, تسدیس”; *tsdy(s)* M150/V/v/17/^{۹۱}

≈ unpl.

w k t /*waqt*/ n., “time, وقت”; *w(x)t* M403+M877/R/10/; with indef. suff.

(*wk*)*t-I* /*waqt-ē*/ وقتی M105/V/9/

در خط مانوی، از فرم نویسه <k> دو نویسهٔ <x/k> (خ) و <ḳ/ḳ̄> (ق) ساخته شده است، با این تفاوت که اولی یک نقطه و دومی دونقطه بر بالا دارد. ممکن است حق با زوندنرمان باشد که کاتب قطعهٔ M403 به دلیل نزدیکی آواشناختی میان <k/x> و <ḳ/ḳ̄> به ویژه در مورد واژه «وقت» دچار اشتباه شده (که در فارسی بسیار شنیده می‌شود)، *wk̄t* را *wxt* نوشته باشد؛ کاتب در اینجا شاید سهل انگارانه یکی از دو نقطه را از قلم انداخته باشد یا ممکن است تحتانی‌ترین لبهٔ گرد و نقطه وارِ نویسهٔ <g> در سطر بالایی را که به طور تصادفی کاملاً در کنار نقطهٔ نویسهٔ

۹۱. محبوبه خدایی وجود این واژه را در دست‌نویس M ۱۵۰، به نگارنده یادآوری کردند.

مورد بحث ما قرار گرفته، یکی از دو نقطه نویسه <k̄> در نظر گرفته باشد. اما از آنجا که در قطعه M105 کاتب از فرم <k> (به جای <k̄> یا <k̄>) استفاده کرده است، بیشتر میل دارم این فرم‌ها را گونه‌های سبکی /q/ در نظر بگیرم. این گونه‌های سبکی در مورد نویسه‌ها و کلمات دیگر نیز شاهد دارد؛ برای نمونه، استفاده از <g> به جای <q̄> برای نگارش /'aql / 'gl / «عقل».

↳ M105/V/8-9/:

wlykyn (gwǝ)tg 'st t̄(...)[•]/(..) [+½ ||] (wkt-I z 'y 'nd) whygwhr 'n 'ndr 'yn stw(r)n [

ولیکن گفته (شده) است ... وقتی زاینند نیک گوهران اندر این <...> ستوران ...

≈ SB.a, r10 as wxt; SL, a(9) (as wkt); DMT ii, 112b.

w l y k y n /walēkin/ conj., “but, ولیکن”, Ar. walākin, with 'imāla;

wlykyn M106/I/V/7, 14; M106/II/R/17; M105b/V/8; M901/V/8/;

wlykyy(n) M411 + M427a + 5391/V/4; wly(k)/[yn] M105b/R/15/

↳ M106/I/V/14-15/:

wlykyn rwsnyh nyz || (p) 'yndg ny° cy gwδr 'ndg°

ولیکن روشنی نیز پاینده نه (نیست)، چه گذرنده [است].

≈ SB.b, v4; SL, a8, c7, 14, d17; DMT ii, 112b.

w s w 's /waswās/ n., “Satanic insinuation, temptation, وسواس”; wsw 's

M 403 + M 877/R/4/; pl. wsw 's-h 'M106/I/V/11/

جمع: وسواس. اما، وسوسه: ۱. اندیشه بد؛ ۲. بد اندیشیدن، وسواس پیدا کردن. نک. لغت نامه

دهخدا، ذیل وسوسه و وسواس.

↳ M106/I/V/8-11/:

'ndr ' 'n || t̄n q 'm qwn 'ndg ny xrd ° cy jhl b šyd || qtxwd

'y 'yg q 'lbyd ° qš xlg 'yg 'yn || zm 'ng hw ' 'wd wsw 'sh 'hm-I

xw 'n 'nd °

اندر آن تن کام کننده نه خرد، چه جهل باشد کدخدای کالبد، کَش (که آن را) خلق این زمانه

هوی و وسواس‌ها^{۹۲} همی خوانند.

↪ M403+M877/R/2-4/:

frwd ll d štn 'yg hft ll wsw 's

فرو داشتن هفت وسواس

≈ SB.a, r4; SL, c11; DMT ii, 112b.

w s y y t /*wašīyat*/ n., “testament, command, وصیت”; [w]syyt M411+M427a+ 5391/R/4/

بازبینی دست‌نویس نشان می‌دهد که هیچ اثری از نویسهٔ نخست <w> باقی نمانده است. بنابراین، اینجانب به برخلاف زوندرمان که نویسه را در کمانک جای می‌دهد، آن را در قلاب می‌گذارد.

↪ M411+M427a+5391/R/2-6/:

[w](')n k ' pd pnc ll frm 'n 'wd s(h ll w)syyt °° ṭm 'm byy ll (m')sy ṭ ° hmg 'n ll [p](d) dyn 'ndr 'n(d)

وان (و آن) که به پنج فرمان و سه وصیت^{۹۳} تمام (باشد)، بی معصیت، همگان به دین اندر اند(؟)

≈ SB.b, r4; DMT ii, 112b.

x l ' t /*xal'at*/ n., “robe of honour, خلعت”; (x)l' t M150/V/v/12/

≈ unpl.

x l g /*xalq*/ npl., “creation, creature(s), people, خَلق”; xlg M 106/I/V/10/; M105b/V/13/; M 8202/I/B/8/; (x)lg^{۹۴} M 8202/I/A/5/

↪ M106/I/V/8-11/:

'ndr ' 'n ll ṭn q 'm qwn 'ndg ny xrd ° cy jhl b 'šyd ll qtxwd 'y 'yg q 'lbyd ° qš xlg 'yg 'yn ll zm 'ng hw ' 'wd wsw 'sh 'hm-I xw 'n 'nd °

اندر آن تنِ کام‌کننده نه خرد، چه جهل باشد کدخدای کالبد، کَش (که آن را) خَلقِ این زمانه هوی و وسواس‌ها همی خوانند.

۹۳. قس «سه مَهر» گزیدگان.

۹۴. نقطهٔ نویسهٔ <x> محو شده است.

≈ *SL*, a13, c10; *DMT ii*, 112b.

x l y f y h /*xilēfī*/ n., “difference, contradiction, ” خلافتی ; Ar. *xilāf*, with ‘*imāla*; plus Pers. Abs. suff. -ī; *xlyfyh* M106/I/V/7/; *xlypyyh* M901/V/5/; [*xlyfy*](*h*) M105b/R/15/

↳ M106/I/V/7-8/:

wlykyn cwn xwd byhgwhr ny b šyd ° yn xlyfyh || yg q̄l wd jhl pdyd ny ’yd °

ولیکن چون خود نیک گوهر نباشد، این خلافتی عقل و جهل پدید نیاید

≈ *SL*, c7; *DMT ii*, 112b-113a.

x s m /*xašm*/ n., “enemy, adversary, خصم”; *xsm* M595+M9009/A/3/

↳ M595+M9009/A/2-3/:

[-½](.) *q ’rz ’ryg mrdwm kwštn ny szyd °° [3-5] qsy b š[y]d || [-½](.) ’syd ° dlyryh (q)wny[d] ° xsm ’y ’yn (ksh ’) xw(d) ’y ’st.*

کشتن مردم کارزاری نَسزد. ... کسی باشد ... دلیری کند خصم این کس ها خدای است.

≈ unpl.

y q̄ y n g r /*yaqīngar*/ n., “confident, assuring, موقن، گر، یقین گر، ” with pers. suff. -gar; *yq̄yng(r)* M8202/A/II/1/

↳ M8202/A/II/1-3/:

[’y(g) yq̄yng(r) wyš n ’n ’z r ’styh || nmwd ’ryh ’yg (t)[.]^{۹۵} (j) ’yg ’(h) || gyr ’d ’ndr dyl(d ’r)^{۹۶}

... یقین گر بیش نان از راستی نموداری جایگاه (تو/تن؟) گیراد اندر دلدار ...

≈ unpl.

y w s p̄ /*Yūsuf*/ n.pr., “Joseph, یوسف”; *ywsp̄* as *ywsp̄m* /*Yūsuf-am*/ (1.sg. pron. Suff.) “(like) Joseph (they threw) me”^{۹۷} M786/V/1[18]/

95. (t)/[w] or (t)/[n]?

۹۶. دست‌نویس در موقعیت سه نویسه پایانی آسیب دیده است؛ برای این سه نویسه نگارنده نمی‌تواند پیشنهاد دیگری ارائه

دهد.

97. *DMT ii*, 113b.

↪ M786/V/1-3[18-20]:

*cwn ywsṗm pḳhr prwd 'bg[nnd] pc 'h ° || c 'hyy k 'br ny 'ym
'z] 'w cwz g 'hyy šm 'r °°*

چون یوسفم به قهر فرو افکنند به چاه | چاهی که بر نیابم ازو جز گه شمار^{۹۸}

≈ PM, v1[18]; DMT ii, 113b.

z 'w b t → Appendix I بخش واژه‌های مشکوک

z w h l /zūhal/ n., “(the planet) Saturn, کیوان، ”زحل، *zwhl* M 150/R/15/
M 150/V/v/13/

≈ unpl.

z w h r g /zohre/ n., “(the planet) Venus, ناهید، ”زهره، *zwhrg* M150/V/
v/8/; M150/V/v/11/; (*zwhrg*)?^{۹۹} M150/V/v/15/

≈ unpl.

واژه‌های مشکوک

'y r d as 'yrdš 'n M106/I/R/13/

زوندردمان، که نخستین بار قطعه M106 را ویراسته است، با اعتقاد به تأثیر قاعدهٔ امله روی این واژه، آن را ترکیبی از عربی *'ērad/*، *'māl/ arad/* «عَرَض» (accident) یا *'ārid/* «عارض» (accidental) و ضمیر متصل سوم شخص مفرد (*- āšn*) می‌داند (SL, 261, no. 17). او این کلمه را [accident] «*Merkmale» معنا می‌کند (Ibid, 256):

↪ M 106/I/R/12-14/[SL, b12-14]:

*ṽ 'yn dw g(w)hr 'n || r 'yrdš 'n ṽnh 'ṽnh 'pd jwd 'gyh 'z 'y(n)
(p)dydt(r) || ny tw 'n gwptn ṽ nmwdn °*

و این دو گوهران را عَرَضِ شان (عَرَضِ این دو گوهر را) تنها تنها^{۱۰۰} به جدایی از این به دیده تر^{۱۰۱} نتوان گفتن و نمودن.

۹۸. گه (گاه) شمار: روز حساب، روز قیامت.

۹۹. نویسه‌ها بسیار آسیب دیده‌اند و قرائت کاملاً تردیدآمیز است.

۱۰۰. تک تک.

۱۰۱. آشکارتر.

دوبلوا (DMT ii, 99b) این قرائت را بسیار بعید می‌داند، زیرا، از نظر او، کاتب مانوی M 106 نه تنها در این متن هیچ گاه از «الف» <ʾ> به جای «عین» <ʿ> استفاده نکرده است، بلکه در اینجا اصلاً صحبت از «عَرَض» و «ذات» دو گوهر در میان نیست. به گمان او، احتمالاً در متن سهو قلمی رخ داده و نقطه <r> روی نویسه <d> افتاده؛^{۱۰۲} و بنابراین، با جا به جایی این دو، واژه yrd را می‌توان به صورت ydr با آوانوشت /ēdar/ به معنی «اینجا» (یعنی در این متن) خواند. بازنگری دقیق‌تر دست‌نویس، حرف نوشت زوندرمان را تأیید می‌کند؛ اما ممکن است که او در ترجمه و تفسیر واژه محق نباشد. به هر حال، برخلاف دیدگاه دوبلوا، حق با زوندرمان است که متن در باب ذات و عَرَض است. آیا واژه مورد نظر را می‌توان «عرض کردن» یا «عارض شدن» به معنای «ارائه کردن» و «سخن گفتن» در نظر گرفت؟ نگارش نویسه «دال» به جای «ضین» در این گروه از متون سابقه دارد، مانند /hwwd/ /huwd/ «حوض»؛ و از این رو، این امکان وجود دارد که <d> در این واژه را بتوان /d/ خواند. همچنین، ما با شاهی که برای واژه «عاجز» به صورت /ējiz/ yjyz (ممال /ājiz/) داریم، می‌توانیم وجود نویسه <y> را نیز تبیین کنیم. برای هم‌آوایی با زوندرمان (البته نه به صورت «عَرَض» به معنی «ویژگی، خصیصه» یا «عارض»، بلکه به معنی «ارائه سخن»؛ «عرض کردن» و «عارض شدن»)، نویسه نخست (همچنان که دوبلوا متذکر شده) مشکل‌آفرین است، چه، در این حالت، انتظار داریم کاتب باید از «همزه» <ʾ> یا «عین» <ʿ> استفاده می‌کرده است نه از «الف» <ʾ>. آیا سنت املائی با خط سغدی در نگارش این واژه نقش داشته است؟

≈ SL, b13; DMT ii, 99b.

blk /bal-ki/ conj., “rather, except that, بلکه”; (bl)k[ʾ M 581 + M613 + M9010 /R/7a/

در ابتدا با وجود تفسیر کهنی از *غیاث الغات* (به نقل از *لغت نامه دهخدا*، ذیل واژه «بلکه») این واژه را در فهرست واژه‌های عربی جای داده‌ام: «بل لفظ عربی است برای ترقی و اضراب فرسیان؛ با «کاف» استعمال کنند و این کاف را دراز باید نوشت، چرا که کاف غیردراز که در حقیقت مرکب به «ها» می‌مختفی است به جایی نویسند که کاف را به لفظ دیگر متصل نسازند؛ در اینجا چون کاف به لفظ بل مرکب باشد [بلک، بلکه، بلکی] حاجت به اتصال «ها» می‌مختفی نماند.» اما پس

۱۰۲. در خط مانوی، تفاوت میان دو نویسه <d> و <r> آن است که دومی تنها نقطه‌ای بر بالا دارد.

از چندی که محمد حسن دوست رونوشت مقاله را مطالعه کرد، و در همین زمینه مقالهٔ عالمانه‌ای از ماهیار نوبی به نام «لکن»، ۱۳۵۳، ص ۲۸۸-۲۸۳، را در اختیارم قرار داد، دچار تردید شدم که بخش نخست واژهٔ «بلکه» را واژه‌ای فارسی در نظر بگیرم یا عربی؛ هنوز دلایل فارسی بودن آن مرا متقاعد نکرده است. دوبلواً این واژه را فارسی در نظر می‌گیرم. نک *DMT ii*, 101a. اما آیا بازسازی هنینگ را می‌توان قطعی در نظر گرفت؟

↪ M 581+M613+M9010/text A/R/7a-b/:

nyk (bl)k[' missing] // b 'r 'yg d[missing]

نیک، بلکه ... بار ...

≈ *PM*, p. 94, text A/R/7a; *DMT ii*, 101a.

j w [(?) M 581+M613+M9010/R/4a/

به نظر هنینگ *jw* در جملهٔ *hr sxwn [y] 'pwrsyš u jw* «جملهٔ *jw* [mlg] «جمله» (که این نیز عربی است) باشد؛ و بنابراین، شاید بتوان عبارت را به این صورت بازسازی کرد:

↪ M 581+M613+M9010/text A/R/4a/:

hr sxwn [y] 'pwrsyš u jw[mlg] 'yg jw 'b

هر سخن یا پرسش و جملهٔ جواب (?)

≈ *PM*, p. 94, text A/R/4a/.

[m] (w b) ' r k /mubārak/ adj., “blessed, praised, مبارک”, see entry *tb rk*.

x z y n g /xazīna/ n., “treasury, خزینه”; M595+M9009/A/11/

عده‌ای از لغت نویسان در فارسی بودن این واژه تردید کرده اند. آیا خزینه از فارسی به عربی نفوذ کرده و آنگاه معرب شده است؟ این واژه با فارسی میانهٔ تورفانی *gnz /ganz/* و پارتی تورفانی *gzñ /gazn/*^{۱۰۳} (نیز فارسی «کنز») به معنی «گنج» ربط دارد.^{۱۰۴} قس خزانه (جمع: خزائن) و مخزن. ب. قریب مرا متوجه نمونه سغدی «خزینه» ساخت. برای ارجاعات، رک. قریب، فرهنگ سغدی، ۴۵۵۴:

۱۰۳. قس. جاینام *Ganzak* و *Gaznag* و نیز شهر تاریخی «غزنه».

۱۰۴. به احتمال با فارسی میانهٔ زرتشتی *uzēnag* / 'wcyнк ' «هزینه».

yzny / *Yaznyā* "treasury, خزینه" C2, 51 R 4, for commentary see p.96; *BSTii* 885.4 (apud Gharib 1995, p.182a § 4554); cf also *yznwr* / *Yaznβar* / "treasurer, گنجور" VJ 106; *GMS* 1131 (apud *ibid*, § 4553); *yzn* / *Yazn* / "treasure, گنج" VJ: *TPS*; Hen. *Tales*. 486.4; *JRAS* 1944, 138.9; *GMS* 1171; Benv. *Notes* iii 228; Hen. *AM* 1963, 197; Bailey, *Asica*. 15 (apud *ibid*, § 4552).

ممکن است نمونه پارتی تورفانی واسطه و عامل انتقال واژه «گنج» از سغدی به فارسی میانه یا برعکس از فارسی میانه به سغدی بوده است. برای ارجاع فارسی میانه و پارتی تورفانی، نک: Durkin–Meisterernst 2004, 163a,170b.

↪ M595+M9009/A/10-11/:

[1-3](t) ksr ' d 'nystn szy(d f)[+½] || 's(t ° .) [8-10](.d 'n(gy)h xzyng 'wd xw 's(tg) [+½] || (2-3)[12-14] 'yn šš cyy[z +½](....) [missing]

کس را دانستن سزد ... است ... دانگ^{۱۰۵} خزینه و خواسته ... این شش چیز ...

≈ unpl.

z 'w b t M106/I/V/19/

از نظر زوندرومان (SL, 263, no. 35)، این واژه سهو قلم کاتب برای **z 'bt / đābiṭ/* «ضابط» (commander, commanding) است. دوبلوا پیشنهاد او را غیرمحمتمل می‌داند و آن را احتمالاً */zawba('a/* «زوبعه»، نام دیوی که به قول او در قرآن (۴۶:۲۸) از او یاد شده (این واژه در خود قرآن دیده نشده؛ گرچه در منابع اسلامی شاهد دارد)، و برای مانویان می‌توانست نمایانگر دیو *šqlwn* «اشقلون» باشد، آوانویسی و تفسیر می‌کند (DMT ii, 114a). نام این دیو در ادب فارسی قرین فریب، وسوسه و امیال شیطانی است؛^{۱۰۶} چنان که معزی می‌سراید:

گاهی ز بیم زوبعه خواندم فسون و دم گاهی ز ترس وسوسه کردم همی دعا^{۱۰۷}

این تفسیر دوبلوا ممکن است قرین صحت باشد، چه، متنی که این واژه در آن آمده با این

۱۰۵. یک ششم چیزی.

۱۰۶. لغت نامه دهخدا (لوح فشرده)، ذیل «زوبعه».

۱۰۷. به نقل از همانجا.

تفسیر نزدیک است:

↳ M106/I/V/18-19/:

'wd plydyh 'yg t̄b[°] k 'yn t̄b' ll 'yg z 'wbt ° k 'qtxwd 'yh hm-I
d 'ryd ° 'ndr 'yn [missing]

و پلیدی‌های طبع، که این طبع زویعه کدخدایی همی دارد اندر این [تن/ جهان ؟] ...
≈ SL, c19; DMT ii, 114a.

بیوست یکم: فهرست انگلیسی - عربی

عربی	انگلیسی	عربی	انگلیسی
hwqm	Judgment	h 'rwn	Aaron
mwštryh	Jupiter	'yrd	Accident(al)
mlyk	King	fy'l	Action
mwlk; mlwkt	Kingdom	xlyfyh	Against
m 'rft	Knowledge	hw 'r	Air
' 'xyr, ' 'xyryn	Last	δwlpk 'r	Ali's sword
'sd	Leo	jwmlg	All
myz 'n	Libra	jw 'b	Answer
'yz	Magnificence	dlw	Aquarius
mryx	Mars	yqyngr	Assuring
'wtryd	Mercury	hwqm	Authority
mrkb	Mount	hwwd	Basin
t̄b [°]	Nature	mwb 'rk	Blessed
nwh	Noah	tb 'rk	Blessedness
nbyl	Noble	k 'sbyg	Business
'sl	Origin	mšywlyh	Busy
'δ 'b	Pain	wlykyn	But
tpsyr	Paraphrase	k 'pwr	Camphor
hw 'r	Passion	jdyh	Capricorn
xlg	People	hwwd	Cistern
tm 'm	Perfect	khr	Coercion
mδl	Proverb	wsyyt	Command ¹
hl 'k	Perish	hwqm	Command ²
hwt	Pisces	hwqm	Commandment
tdbyr	Plan	z 'wbt	Commander
mwb 'rk	Praised	z 'wbt	Commanding
tb 'rk	Praiseworthiness	tm 'm	Complete

dw ^ˆ	Prayer	h 'l	Condition
trby ^ˆ	Quadrature	yäyng ^r	Confident
blk 'r	Rather	xlyfyh; mw ^x 'lyfyh	Contradiction
xl ^ˆ 't	Robe of honour	mw ^x 'lyf	Contradictory
swlt 'n	Rule	xlyfyh	Contrary to
wsw 's	Satanic insinuation	xlg	Creation
qws	Sagittarius	xlg	Creature(s)
nðð 'r	Scattering	z ^ˆ yz	Dear
qrb	Scorpion	hw 'i	Desire
hw 's	Senses (five)	hl 'k	Destruction
tsdys	Sexangulare	t ^ˆ ywn	Determined (precisely)
smwm	Simoom	z 'bwt	Demon (in <i>Qur 'ān</i>)
h 'l	State	xlyfyh	Difference
mšywyh	State of being busy	m ^ˆ sy 't	Disobedience
tdbyr	Stratagem	mw ^x 'lyf	Divergent
nðð 'r	Strewing	swlt 'n	Dominion
swlt 'n	Sultan	šr 'b	Drink
jwmlg	Sum	xsm	Enemy
šms	Sun	z ^ˆ yz	Excellent
dw ^ˆ	Supplication	y ^ˆ l 'r	Except
ðwlpk 'r	Sword (of Imam Ali)	tpsy ^r	Exegesis
wsw 's	Temptation	blk 'r	Except that
wsy ^t	Testament	ððyqt	Faith
y ^ˆ l 'j	Therapy	ltyf	Fine
wkt	Time	flk	Firmament
q ^ˆ ð 'b	Torment	'wwlyn	First
jwmlg	Total	jhl	Folly
k 'sbyg	Trading	b 'tyl	Futile
xzyng	Treasury	y ^ˆ z	Glory
bl 'r	Tributation	m ^ˆ rft	Gnosis
tððlyðð	Trine	flk	Heavenly sphere
ððykt	Trust	mrkb	Horse
jwr	Tyranny	smwm	Hot wind
zw ^h rg	Venus	jhl	Ignorance
swmlg	Virgo	tq ^s yr	Inadequacy
hrb	War	wsw 's	Insinuation (satanic)
y ^ˆ yjz	Weak	m ^ˆ sy 't	Insubordination
jwmlg	Whole	q ^ˆ l	Intelligence
tm 'mk 'r	Who make perfect	šwyl	Job
šr 'b	Wine	ywsp	Joseph

پیوست دوم: فهرست فارسی - عربی

zwhrg	زهرة (سیاره)	'xyr	آخر
swlt 'n	سلطان	'xyryn	آخرین
swmlg	سنبله (برج)	mrkb	اسب
smwm	سموم	'sd	اسد
šr 'b	شراب	'sl	اصل
šwyl	شغل	'yl	الا
šms	شمس	'wwlyn	اولین
tb°	طبع	mrkb	باره
'yzyz	عاجز	nbyl	باشکوه
'yrd	عارض	b 'tyl	باطل
'yrd	عرض	bl '	بلا
°δ 'b	عذاب	blk '	بلکه
'yz	عز	mryx	بهرام (مریخ)
'zyz	عزیز	tb 'rk	تبارک
'wtyryd	عطارد	tδδlyδδ	تثلیث
'qrb	عقرب (برج)	tdbyr	تدبیر
'ql	عقل	trby°	تربیع
yl 'j'	علاج	tsdys	تسدیس
fy°'l	عمل	mwx 'lyfyh	تضاد
fy°'l	فعل	t'ywn	تعین
flk	فلک	tpsyrr	تفسیر
qws	قوس (برج)	tqsyrr	تقصیر
qhr	قهر	tm 'm	تمام
k 'sbyg	کاسبی	tm 'mk 'r	تمام کار
k 'pwr	کافور	δδyqt	تَفَهُ (معمد)
fy°'l	کردار	jdyh	جدی (برج)
zwhl	کیوان (زحل)	jwmlg	جمله
ltyf	لطیف	jw 'b	جواب
mδl	مثل	jwr	چور (ستم)
mwx 'lyf	مخالف	jhl	چهل
mwx 'lyfyh	مخالفی	h 'l	حال
mrkb	مرکب	hrb	حرب
mryx	مریخ	hwqm	حکم
mws'tryh	مشتری (برج)	hw 's	حواس

mšgwlyḥ	مشغولی	hwt	حوت (برج)
m ʾrft	معرفت	hwwd	حوض
m ʾsy ʾt	معصیت	xsm	خصم
mwḫ ʾlyfyḥ	مغایرت	xlyfyḥ	خلافی
mlyk	مَلِک	xl ʾ ʾt	خلعت
mwlk	مُلک	xlg	خلق
mlwkt	مُلکَت	dw ʾ	دعا
yngryq	موقِن	dlw	دلو (برج)
myz ʾn	میزان (برج)	nbyl	نیل
zwhrg	ناهِید (زهره)	nδδ ʾr	نثار
wlykyn	ولیکن	nwh	نوح
h ʾrwn	هارون	wsw ʾs	وسواس
mwštryḥ	هرمز (برج)	wsyyt	وصیت
hl ʾk	هلاک	wqt	وقت
hw ʾ1	هوی (و هوس)	ʾyl ʾz	درمان
hw ʾ2	هوا (جو)	δwlpqr	ذوالفقار
yngryq	یقین گر	zwhl	زحل
ywsp̄	یوسف	z ʾwbt	زوبعه

کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌ها

a, b, c, d, e:	five section of <i>SL</i>
<i>SB.a:</i>	in <i>SB</i> , fragment A
<i>SB.b:</i>	in <i>SB</i> , fragment B
<i>Ca:</i>	Müller, 1904 (<i>Calendar</i>)
<i>PM:</i>	Henning, 1962 (II. <i>Qaṣīde</i> only)
<i>MSt:</i>	Salemann, 1908
<i>SB:</i>	Sundermann, 1989 (<i>Bekanntnistext</i>)
<i>SL:</i>	Sundermann, 2003 (<i>Lehrtext</i>)
<i>DMT ii:</i>	de Blois, 2006
Abs. suff.:	پسوند اسم معناساز
adv.:	قید
adj.:	صفت
Apud:	به نقل از
Ar.:	عربی
comp.:	صیغه تفضیلی صفت

conj.:	حرف ربط
indef. suff.	/I/ یاء نکره
Pers.:	فارسی
prep.:	حرف اضافه
pron.	ضمیر
n.:	اسم
pl.:	صیغهٔ جمع اسم
n.pl.:	اسم جمع
n.pr.:	نام شخص
A:	صفحه نخست برگ دست‌نویس
B:	صفحهٔ دوم برگ دست‌نویس
sg.	مفرد
ms.:	دست‌نویس
suff.	پسوند
unpl.:	دست‌نویس منتشر نشده
i-v	شمارهٔ ستون دست‌نویس: ۵-۱
I:	برگ نخست دست‌نویس
II:	برگ دوم دست‌نویس
R, r:	روی برگ دست‌نویس
V, v:	پشت برگ دست‌نویس
[½]:	تقریباً نصف سطر از میان رفته است
[+ ½]:	بیش از نصف سطر از میان رفته است
[- ½]:	کمتر از نصف سطر از میان رفته است
شماره در [] : تعداد نویسه(های) مفقودشده	
نویسه در () : نویسهٔ مخدوش اما قرائت شده	
نقطه در () : تعداد آنها برابر با تعداد نویسهٔ مخدوش غیرقابل قرائت است	
قس: مقایسه کنید با	
نک: نگاه کنید به	
رک: رجوع کنید به	
→: نگاه کنید به	
علامت در شواهد: در متون منظوم: جداکنندهٔ دو مصراع؛ در متون منثور: جداکنندهٔ سطرها	
علامت ستاره (*) بر سر واژه: قرائت اصل مدخل تردیدآمیز است	
عدد ۲ کوچک بالای شمارهٔ سطر در شواهد (مانند سطر ۱۳۴): شاهد دو بار در یک سطر تکرار شده است	
☞ : شاهد و مثال	
≈ : کتابنامه	

کتابنامه

- حسن دوست، محمد، فرهنگ ریشه شناختی زبان فارسی. زیر نظر بهمن سرکاراتی. جلد اول. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ۱۳۸۳.
- جفری، آرتور. واژه‌های دخیل در قرآن مجید. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس، ۱۳۷۲.
- جلالی نائینی، محمدرضا. فرهنگ سنسکریت - فارسی. جلد اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
- دهخدا، علی‌اکبر. فرهنگ دهخدا (لوح فشرده). تهران: دانشگاه تهران.
- رضایی باغ بیدی، حسن. «کهن‌ترین متون فارسی به خطوط غیرعربی (عبری، سریانی و مانوی)». نامه فرهنگستان. دوره هشتم. شماره دوم. شماره پیاپی ۳۰ (۱۳۸۵). ص ۳۱-۹.
- زوندرومان، ورنر. «پژوهش‌های تورفان. تاریخ، موقعیت و وظایف آن». ترجمه امید بهبهانی. فصلنامه فرهنگستان (ویژه‌زبان‌شناسی)، س ۴، ش ۲-۱، شماره پیاپی ۳۷-۳۸ (بهار - تابستان ۱۳۸۰)، ص ۱۸۱-۱۶۹ [در مجموعه مقالات: در شناخت آیین مانی، تهران: بندهش، ۱۳۸۴، ص ۷۳-۵۵].
- شکری فومشی، محمد. «ملاحظات بر یک نشانه خطی در دست‌نویس‌های مانوی تورفان». نامه ایران باستان. ش. ۲۰-۱۹ (۱۳۸۹)، ص ۶۴-۵۳.
- قریب، بدرالزمان. فرهنگ سغدی. تهران: فرهنگان، ۱۳۸۳.
- ماهیار نوایی، یحیی. «لکن». کنگره جهانی بزرگداشت سیبویه؛ ۱۲-۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۳، ص ۲۸۸-۲۸۳.
- مجموعه التواریخ و القصص. به تصحیح ملک الشعرا بهار. به همت محمد رضانی. تهران: کلاله خاور، ۱۳۱۸.
- مکنزی، د. ن. فرهنگ کوچک زبان پهلوی. ترجمه مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.
- هینینگ، والتر برنوو. «قدیم‌ترین نسخه شعر فارسی». ترجمه احسان یارشاطر. مجله دانشکده ادبیات، س ۵، ش ۴ (۱۳۳۷)، ص ۹-۱.
- _____ «مخطوطات شعری از زمان رودکی»، ترجمه ناشناس. فرهنگ ایران زمین ۲۶. زیر نظر و به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات ایران زمین، ۱۳۶۵. ص ۲۵-۹.

Boyce, M. *A Catalogue of the Iranian Manuscripts in Manichean Script in the German Turfan Collection*. Berlin: Institut für Orientforschung, 1960.

de Blois, F. "Glossary to the New Persian texts in Manichaeian script." in *Dictionary of Manichaeian Texts. II. Texts from Iraq and Iran*. eds. F. de Blois and N. Sims-Williams, Turnhout: Brepols, 2006. pp. 89-120.

Durkin-Meisterernst, D. "Late Features in Middle Persian Texts from Turfan." in: *Persian Origins. Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian. Collected Papers of the Symposium, Göttingen 1999*. ed. L. Paul. Wiesbaden: Harrassowitz,

2003. pp. 1-13.

Gharib, B. *Sogdian Dictionary*. Sogdian-Persian-English. Tehran: Farhang, 1995.

Henning, W. B. "Persian Poetical Manuscripts from the Time of Rūdakī." in: *A Locust's Leg. Studies in Honour of S. H. Taqizadeh*, London: 1962. pp. 89-104;

Lazard, G. *Dictionnaire du persan-français*, Leiden: E.J. Brill 1991.

Mayrhofer, M. *Kurzgefasstes etymologisches Wörterbuch des Altindischen*. I, Heidelberg: C. Winter, 1956.

Meier, F. "Aussprachefragen des älteren Neupersisch", *Oriens*. No. 27-28, 1981. pp. 150-151.

Morano, E. "The Sogdien Hymns of Stellung Jesu", *East and West*. No. 32, 1982. pp. 9-43.

Müller, F. W. K. *Handschriften-Reste in Estrangelo-Schrift aus Turfan, Chinesisch-Turkestan*, i, SPAW, IX, 348-52; ii aus dem Anhang zu den APAW. 1904. pp. 1-117.

Salemann, C. *Manichäische Studien I*, Mémoires de l'Académie Impériale des Sciences de St.-Petersbourg, VIIIe série, vol. VIII, no. 10, St.-Petersbourg: 1908.

Sundermann, W. *Mitteliranische manichäische Texte kirchengeschichtlichen Inhalts*, Berlin: Akademie-Verlag, 1981.

Sundermann, W. "Ein manichäischer Bekenntnistext in neupersischer Sprache", *Études irano-aryennes offertes à Gilbert Lazard, Association pour l'avancement des études iraniennes*, Paris: 1989. pp. 355-365; *Manichaica Iranica. Ausgewählte Schriften I - II*, ed. Chr. Reck; D. Weber; C. Leurini; A. Panaino, Roma, 2001 (Serie Orientale Roma LXXXIX, 2).

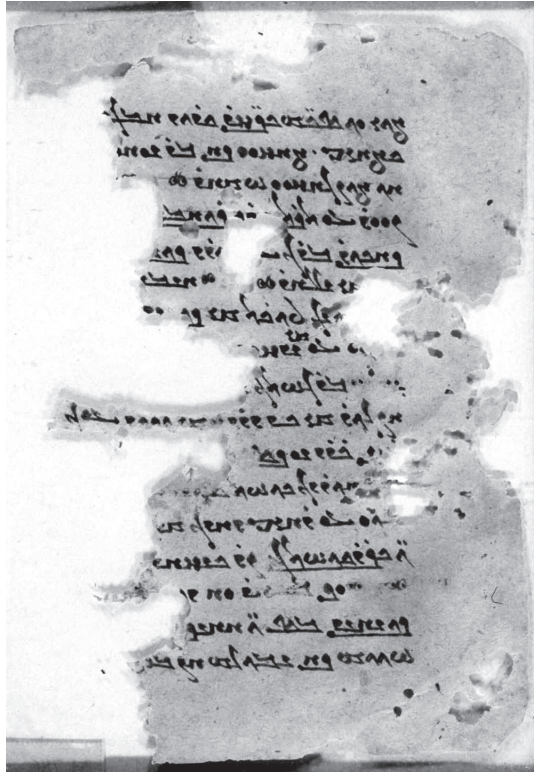
Sundermann, W. "Ein manichäischer Lehrtext in neupersischer Sprache", *Persian Origins. Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian. Collected Papers of the Symposium, Göttingen 1999*, ed. L. Paul, Wiesbaden: 2003. pp. 243-274.

Turfanforschung. Berlin-Brandenburgische Akademie der Wissenschaften. Akademienvorhaben Turfanforschung, Berlin: 2002.

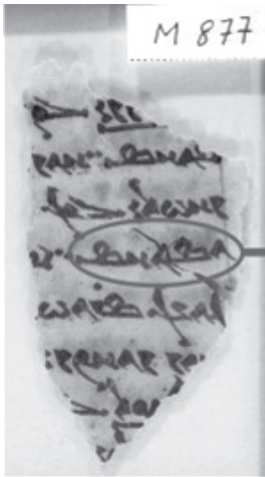
تصویرها

از میان شواهد بسیار برای نشان دادن واژه‌های دخیل عربی در کهن‌ترین متن‌های فارسی نو بر اساس دست‌نویس‌های مانوی تورفان، در اینجا صرفاً تعدادی از تصویرها ارائه می‌شود. مأخذ این تصویرها کتابخانه ملی برلین؛ فرهنگستان علوم براندنبورگ، برلین، بخش شرقی، دایره رونگاشت، است.

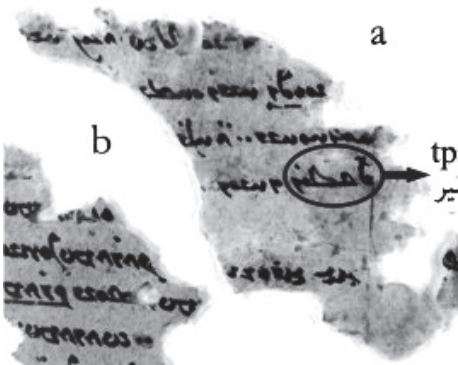
M 411 + M 427a + M 5391



M 877



WSW'S
وسواس



tpsy'r
تفسیر

